مطالعات محیطی هفت حصار شماره چهلم/ سال یازدهم/ تابستان ۱۴۰۱
صفحات ۲۲-۵

فهم معماران از سلیقه شهروندان در طراحی نمای بناهای مسکونی با تأکید بر «نظریه تمایز بوردیو»[1]

هدیه عادلی*، بهروز منصوری**، رضا افهمی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۳/۱۴
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۰

چکیده

قشربندی‌های اجتماعی باعث به وجود آمدن تفاوت‌های پیچیده‌ای در میان اقشار جامعه می‌شود که ما به تبعیت از پیر بوردیو «تمایز» می‌گوییم. درنتیجه‌ی این تمایزها نماهای مختلفی در بناهای مسکونی طراحی می‌شود که سیمای شهر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. تنوع سلیقه‌ها در طراحی نماهای مسکونی از سوی شهروندان موجب ایجاد ناهمگونی در سیمای شهری شده و گونه‌ای از عدم یکپارچگی و پیوستگی در مفاهیم مرتبط با معماری در حوزه نماهای شهری را به وجود آورده است. این پژوهش به تبیین فهم معماران در مواجهه با سلیقه شهروندان در طراحی نمای بناهای مسکونی بر اساس نظریه تمایز بوردیو می‌پردازد. روش تحقیق این پژوهش از حیث هدف، کاربردی، از نوع کیفی و به لحاظ «قصد» از پژوهش، «تفسیری» است و سعی دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که «چه عواملی بر شکل دادن سلیقه کارفرما و مصرف‌کننده در تولید و مصرف نمادین مسکن شهر تهران در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۸ تأثیرگذار بوده‌اند؟ و فهم معماران در مواجهه با سلایق مصرف کننده و کارفرما در طراحی نماهای مسکونی در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۸ چگونه بوده است؟» در تبیین متغیرهای پژوهش، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی افراد متغیر مستقل و الگوی مصرف معمار را متغیر وابسته تعریف شده است. در این پژوهش با استفاده از مصاحبه با متخصصین، شاخص ها و متغیرهای مؤثر بر تبیین نقش معماران در مواجهه با سلیقه شهروندان تهران در مورد معماری مسکونی از متن مصاحبه‌های صورت گرفته استخراج گردید، بنابراین «منطق» پژوهش «استقرائی» بوده و روش تحلیل داده‌ها نیز شامل کدگذاری باز و کدگذاری محوری است. این پژوهش نشان می‌دهد که دیدگاه اغلب معماران ایرانی در مورد مفهوم «سلیقه شهروندان در مورد بناهای مسکونی» را می‌توان در چهار صورت «سازه ساختمان»، «سازگاری نما با اقلیم»، «سازگاری نما با عملکرد بنا» و «زیبایی بصری نما» دسته‌بندی نمود که این الگوی مصرف متأثر از دو دسته‌ی کلی «سرمایه اقتصادی» و «سرمایه فرهنگی» است.

واژگان کلیدی

سلیقه، نما، بناهای مسکونی، نظریه تمایز بوردیو

* مقاله حاضر مستخرج از رسالهٔ دکتری نگارنده اول با موضوع «تبیین نقش معماران در مواجهه با سلیقه شهروندان تهران در مورد معماری مسکونی بر اساس نظریه تمایز بوردیو (مطالعه موردی نماهای ساختمان‌های مسکونی بین سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۸)» راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در حال انجام است

۱- گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. hedieh.adeli@yahoo.com
۲- گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Beh.Mansouri@iautb.ac.ir
۳- گروه پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. Afhami@modares.ac.ir

مقاله پژوهشی- مورد پژوهی
©: IAUH
ISSN: 2322-5602

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

مقدمه

یکپارچگی بصری و ساختاری مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌های مرتبط است که محیط شهری را می‌سازد که همگی در شکل‌گیری هویت شهری نقش تأثیرگذاری دارند. به همین منظور بیشترین عنصر شکل‌دهنده‌ی هویت شهری، نمای بیرونی و جلوه‌ی بصری ساختمان‌ها است؛ که از مهم‌ترین عناصر زیبایی‌شناختی معماری به شمار می‌رود، اما ازآنجایی‌که نیاز به مسکن یکی از نیازهای اولیه هر فردی است به همین منظور چگالی ساختمان‌های مسکونی بیشتر از سایر کاربری‌های دیگر است (آتشین‌صدف و خیری، ۱۳۹۶: ۳۷). لذا به نظر می‌رسد، بحث خطیر هویت شهری که در بالاترین سطح، متأثر از نمای ساختمانی ست؛ بیشتر تحت تأثیر ساختمان مسکونی قرارگرفته که مستقیماً با ماهیت هنری معماری آن نیز در ارتباط است و لاجرم بیانگر سبک، کیفیت و فرهنگ زندگی فردی و جمعی است و در نگرشی کلانتر یکی از مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز هر جامعه‌ای محسوب می‌شود.(ایوبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹).

اما باید گفت که در دهه‌های اخیر، مردم تهران ۱۳۸۴–۱۳۹۸ به معماری و نماهای نئوکلاسیک در طراحی داخلی و کالبد مجتمع‌های مسکونی گرایش پیدا کرده و استفاده از این سبک به صورت روزافزون در حال افزایش می‌باشد(پورجعفر و علوی بالمعنی، ۱۳۹۱: ۱۷). این تغییر سلیقه و گرایش به مدهای متمول موجب وجود تنوع، ناهمگونی در نماهای شهری در انواع رویکردهای سبکی، نوعی بی‌هویتی در مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی معماری و گونه‌ای از عدم یکپارچگی و پیوستگی در مفاهیم مرتبط با معماری در حوزه نماهای شهری (خوانایی، نمایانی، ادراک ذهنی، تداوم و زیبایی‌شناختی بصری) را به وجود آورده است. (تراب‌زاده، ۱۳۹۴: ۸)

از سوی دیگر تمایزات اجتماعی ناشی از عدم تجانس در سرمایه‌ی فرهنگی که الگوهای مصرف متفاوتی را به وجود آورده، در کنار مدیریت شهری نابسامان و آشفته، درمجموع باعث شده است که سیمای شهری ظاهری آشفته و نابسامان داشته باشد(تیغ‌نورد، ۱۳۹۴: ۴۷)؛ که نتیجه‌ی این آشفتگی و نابسامانی در حوزه‌ی سیمای شهری، اضمحلال هویت شهری است؛ هویتی که در همه‌ی کشورهای متمدن و توسعه‌یافته برای حفظ آن تلاش‌های بی‌شماری می‌شود؛ دغدغه و محرک اصلی این پژوهش است که اختصاصاً به حوزه‌ی معماری و نمای بیرونی ساختمان‌های مسکونی ارتباط می‌یابد(جلودار و جهانبخش، ۱۳۹۵: ۱۸)؛ تا با جستجو در منابع و بررسی نقش معماران در مواجهه با سلیقه شهروندان تهران در ارتباط با طراحی نماهای مسکونی این شهر، این مهم را از زاویه نظریه تمایز «پی‌یر بوردیو» جامعه‌شناس مشهور فرانسوی مورد کنکاش قرار دهد (بوردیو، ۱۳۹۵) تا از نقطه‌نظر یک ساختارگرا به شیوه‌هایی توجه نماید که فعالیت‌های روزمره عاملین را تا حدود زیادی تحت تأثیر تاریخ زندگی و ساخت عینی جهان اجتماعی قرار می‌دهد و این اعمال بدون این‌که تحت تأثیر هدف‌مندی‌های آن باشد ساخت سلسله مراتبی نابرابر را حفظ می‌کند. از همین رو سؤالات اصلی پژوهش این است که چه عواملی بر شکل دادن سلیقه کارفرما و مصرف‌کننده در تولید و مصرف نمادین مسکن شهر تهران در بازه زمانی ۱۳۸۴–۱۳۹۸ تأثیرگذار بوده‌اند؟ و فهم معماران در مواجهه با سلایق مصرف‌کننده و کارفرما در طراحی نماهای مسکونی در بازه زمانی ۱۳۸۴–۱۳۹۸ چگونه بوده است؟

روش انجام پژوهش

این پژوهش از حیث هدف، کاربردی و از نوع کیفی است. در این پژوهش با استفاده از مصاحبه با متخصصین ابتدا تعاریف سلیقه به آن‌ها بازگو شده و سپس شاخص‌ها و متغیرهای مؤثر بر تبیین نقش معماران در مواجهه با سلیقه شهروندان تهران در مورد معماری مسکونی از متن مصاحبه‌های صورت گرفته استخراج گردید. دلایل علمی و حرفه‌ای انتخاب این افراد به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود.

۱. دارای سابقه اکادمیک و دانش مربوطه در خصوص مطالعه نماهای شهر تهران باشند.

۲. دارای سابقه مدیریتی در خصوص اجرای نماهای بناهای مسکونی باشند.

۳. فعالیت‌های پژوهشی، دوره‌های آموزشی و فعالیت‌های جانبی داشته باشند.

در این مرحله از روش «کدگذاری باز» استفاده شد. این مرحله از روش نظریه داده بنیاد، بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام می‌شود. مراحل کدگذاری باز عبارت است از:

- کدگذاری توصیفی
- کدگذاری تفسیری

کدگذاری توصیفی: در این مرحله، هدف شناسایی قسمت‌هایی از داده‌های پیاده شده است که می‌توانند در پرداختن به سؤال پژوهش مفید باشند. در کدگذاری توصیفی بر تلاش برای «توصیف» چیزهایی که در گفته‌های مشارکت‌کننده حائز اهمیت است و نه «تفسیر» معنای آن‌ها تأکید می‌شوند. در رساله حاضر، پس از انجام مصاحبه، متن مصاحبه به‌طور کامل در نرم‌افزار Atlasti پیاده شد. نحوه کار با این نرم‌افزار به این

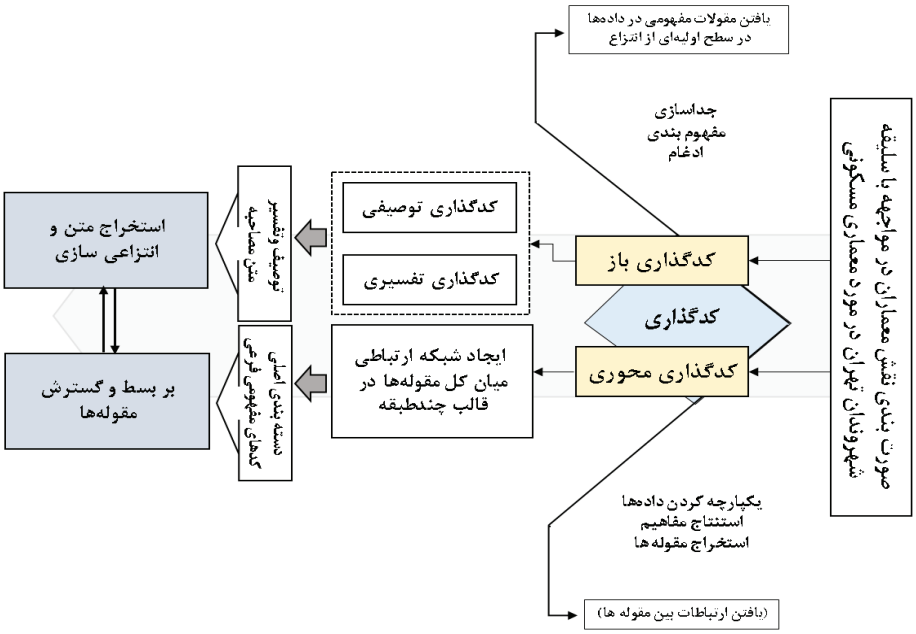
[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

صورت بود که ابتدا در مرحله کدگذاری توصیفی، متن مصاحبه در جستجوی مضامین مرتبط با سؤالات تحقیق، به‌صورت دقیق و کلمه به کلمه مطالعه شد و در هر نقطه از مصاحبه که مضمونی یافت می‌شد آن قطعه از مصاحبه انتخاب‌شده و یک مضمون توصیفی به آن نسبت داده می‌شد. شد. در ادامه نیز مصاحبه‌های بعدی مورد کدگذاری توصیفی قرار گرفتند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۳).

کدگذاری تفسیری: سپس در این مرحله تلاش شد تا فراتر از «توصیف» گفته‌های مصاحبه‌شونده عمل کرده و بر تفسیر معانی آن‌ها تمرکز شود، درنتیجه از کدگذاری تفسیری استفاده شد. این کار عمدتاً با ترکیب کدهای توصیفی‌ای که به نظر می‌رسد یک معنای واحد را در خود دارند، انجام شد. در پژوهش حاضر در مرحله کدگذاری تفسیری، کدهای توصیفی تولید شده در مرحله قبل از طریق تفسیر معانی کدهای توصیفی و طی مقایسه مستمر چندباره آن‌ها، در یکدیگر ادغام یا در ذیل یکدیگر قرار گرفتند و بدین ترتیب کدهای توصیفی خوشه‌بندی‌شده، خوشه‌ها برای پاسخگویی به سؤال پژوهش می‌باشند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۳).

کدگذاری محوری: در این تحقیق کدگذاری محوری بر اساس استفاده از الگوی پارادایم صورت گرفته است؛ بنابراین دسته‌بندی‌های فرعی با دسته‌بندی اصلی مطابق با الگوی پارادایم مرتبط می‌شوند و هدف اصلی این است که محقق را قادر سازد تا به‌صورت نظام‌مند در مورد داده‌ها و مرتبط کردن آن‌ها تفکر کند. دسته‌بندی اصلی (مانند ایده یا رویداد محوری) به‌عنوان پدیده تعریف می‌شود و سایر دسته‌بندی‌ها با این دسته‌بندی اصلی مرتبط می‌شوند. اساس این فرآیند، ارتباط‌دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش مقوله‌ها است؛ بنابراین، از فرآیندهای کدگذاری روش داده بنیاد موارد زیر به دست می‌آید:

ساخت مقولات اصلی با توجه به مقولات فرعی و ایجاد ارتباط میان آن‌ها؛ ایجاد شبکه ارتباطی میان کل مقوله‌ها در قالب چندطبقه: همه مقوله‌ها (ازجمله فرعی و اصلی) در قالب «کدگذاری محوری» درباره یک مقولهٔ محوری سامان می‌یابند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۳).



نمودار ۱: فرایند روش تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش

نما: یکی از مهم‌ترین اجزاء هر فضای شهری و به‌تبع آن منظر شهری، بدنه‌های فضا است. بدنه‌ها عناصر عمودی محدودکننده فضا بوده که از سطوح عمود بر هم و رؤیت پذیر احجام ساختمانی تشکیل می‌شوند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۹) و تصویر سه‌بعدی به ما ارائه می‌دهد (ابراهیمی میلانی، ۱۳۹۴). درواقع به کلیه سطوح قابل‌رؤیت ساختمان‌ها در اطراف یک فضای شهری بدنه گفته می‌شود. هر بدنه به‌نوبه خود کلیتی است متشکل از:

الف- احجام سخت (مصنوع یا ساختمان‌ها)

ب- احجام نرم (عناصر طبیعی یا گیاهان)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

در طراحی شهری کلیه سطوح یا احجام تشکیل‌دهنده محدوده فضا، به‌عنوان بدنه‌های شهری دیده می‌شوند.
نما، در لغتنامه دهخدا صورت ظاهری هر چیزی، آنچه در معرض دید و برابر چشم است، منظر خارجی بنا و عمارت، فن روسازی ساختمان و ساخت نمای عمارت تعریف‌شده است (دهخدا، ۱۳۳۴).
تعریف نما را در سه مقطع دسته‌بندی‌شده است:
الف- توجه به‌ظاهر ساختمان به‌عنوان آنچه دیده می‌شود. (منظر) (Bagheri et al., 2020: 7)
ب- توجه به نحوه ادراک بصری انسان به‌عنوان عاملی که می‌بیند. (نظر)
ج- توجه به اینکه نمای ساختمان نشان و مظهر چیست؟ (مظهر) (اکبری، ۱۳۹۶)
نما بخشی از ساختمان است که به‌گونه‌ای با زمین در ارتباط است و به طریقی با آسمان درگیر و خطوط زمین و آسمان بنا را تشکیل می‌دهد. (خاک‌زند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹). معمار معروف ویلیام لیسابی[1] معتقد بود طراحی چهره عمومی بناها مسئله‌ای است مرتبط با حقوق شهروندی و می‌گوید: «نمایش بد را می‌توان نگاه نکرد، کتاب بد را می‌توان مطالعه نکرد، اما تنها کوری و یا بی‌حسی اجزاء قوه بصره می‌تواند ما را از ساختمان‌های واقع در خیابان حفاظت نماید» (بخشی، ۱۳۹۵: ۴۳).
سلیقه در معماری: واژه سلیقه در فرهنگ لغت فارسی معادل «پسند»، «طبع»، «سرشت» و به معنای «ذوق» برای «انتخاب کردن یا ترجیح دادن چیزی از میان سایر چیزها» می‌باشد. در فرهنگ لغت انگلیسی کمبریج، سلیقه به معنای «توانایی فرد برای قضاوت و تشخیص خوب و مناسب بودن چیزی» تعریف شده است. اگر آغازی را بتوان برای شکل‌گیری در نظر گرفت «حس» می‌باشد که به مثابه «قوه قضاوت» عمل می‌نماید(خاتمی و بوجاری، ۱۳۹۹: ۱۰۲). در قرن هجدهم میلادی واژه «استتیک» در حوزه زیبایی‌شناسی قرارگرفته و با «میل داشتن» و «لذت بخشیدن» همراه شد. هنگامی‌که نسبت حسی با زیبایی‌شناسی به شناخت و تولید آثار معماری راه یافت، باعث پیوند عمیقی میان این عرصه‌ها گردید. (ایمانی و ظفرمندی، ۱۳۹۶، ۳۴). درمجموع سلیقه را می‌توان بدین‌صورت تعریف نمود: «سلیقه عبارت است از وانمود کردن برازندگی و آراستگی؛ با نگاه به رفتار و چهره فرد پرهیزکار می‌توان به سلیقه او پی برد.» (عیوضی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۵)
سلیقه هر انسان تابع عوامل مختلفی ازجمله تربیت خانوادگی، دوستان و هم‌نشینان، فرهنگ عمومی جامعه و در یک نگاه کلی، محیط پیرامونی او می‌باشد. سلیقه به‌صورت مطلق وجود نداشته و در فرآیندی رفت و برگشتی با محیط جامعه در هم می‌آمیزد(سجودی و نعمت گرگانی، ۱۳۹۶: ۴۹). در معماری به موضوع سلیقه فراتر از لذت بردن یا رضایت داشتن نگریسته می‌شود؛ زیرا عوامل مختلفی در آن تأثیر دارند که با عواملی نظیر اخلاق، باورهای دینی ـ مذهبی و نگاه اجتماعی و سیاسی در هم می‌آمیزند. (Scruten, 2006: 13)
بازتاب سلیقه در معماری معاصر ایران: حکایت معماری این سرزمین، حکایت شیوه مواجهه دو فرهنگ ایرانی و شرقی و فرهنگ مغرب زمین و حکایت اندیشه‌هایی می‌باشد که به سیاحت غرب رفته، گاه آن را چشم و گوش بسته پذیرفته و گاه به‌گونه‌ای جزم اندیشانه به مقابله با آن برمی‌خیزند؛ گاه نیز در میان این دو سر طیف به دنبال آشتی دادن برمی‌آیند؛ آن آشتی که جای تأمل دارد. (افشاری نادری، ۱۳۹۳: ۱۸) در این میان معماران نسل اول همگی تحصیلات دانشگاهی داشته و عمدتاً به چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شدند:
۱) معماران خارجی
۲) معماران ایرانی دانش‌آموخته در غرب
۳) فارغ‌التحصیلان دانشکده هنرهای زیبا و دانشکده‌های خارج در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ شمسی
۴) معماران ایرانی تحصیل‌کرده در ایتالیا (Attia et al., 2020: 3357)
اما از اواخر دهه ۳۰ شمسی، معماران جوان‌تر پژوهش یافته در ایران، به بازار کار واردشده و از سوی دیگر افزایش جمعیت، رشد تصاعدی تقاضا را در معماری به‌ویژه در حوزه مسکن در پی داشت و معماران کم‌کم تن به خواسته‌های مشتریان می‌دادند(سجودی و نعمت گرگانی، ۱۳۹۶: ۴۹). افزایش روند ساخت‌وساز در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ و ورود گسترده بخش خصوصی بدون تخصص به حوزه معماری، باعث رشد نوعی از ساخت‌وساز موسوم به «بسازبفروش» گردید که متأسفانه این سبک با همه مشکلات شناخته‌شده در درون خود، به همان دلیلی که به وجود آمد تا به امروز ادامه یافت(Calleri et al, 2018: 79) و حوزه نفوذ و گسترش این‌گونه از معماری در سال‌های پس از انقلاب سیر صعودی یافت. ورود معماران جدید یا نسل سوم معماران نیز نتوانست تأثیر چندانی بر این روند داشته باشد و در عمل بدنه اصلی فعالیت‌های ساختمانی در کشورمان را در دست گروه‌های غیرتخصصی و فاقد صلاحیت قرار گرفت. (پیربابایی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۰)
سازوکار پاسخ به چنین تفکری پدیده‌ای به نام مد را به وجود می‌آورد و این همان چیزی است که نظریه‌پردازانی چون «زیمل[2]»، «الیاس[3]»، «پاکارد[4]» و «بوردیو[5]» از آن با عنوان «مدطبقاتی» یاد می‌کنند و مبتنی بر این پیش‌فرض است که اعضای طبق اجتماعی خاص، بر اساس

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

ویژگی‌های خاص اجتماعی، اقتصادی و جایگاهی که در جامعه از خود سراغ دارند، کالاهایی را به تسخیر خود درآورده و خود را با آن باز می‌شناسانند(Esmaili et al., 2019: 71). «وبلن[۶]» رواج سلایق و هنجارهای طبقه ثروتمند را در همه طبقات اجتماعی تشریح می‌کند. به زعم او: از حیث آبرومندی، طبقهٔ تن‌آسا در رأس ساختار اجتماعی قرار دارد(Veblen, 1961: 63). «دبور[۷]» بر این عقیده است: «جامعه‌ای که بر صنعت مدرن متکی است، نمایشی بودنش اتفاقی یا سطحی نیست، چنین جامعه‌ای از بنیاد نمایش‌گراست؛ نمایش هیچ مقصود دیگری جز خودش ندارد.» (اکبری، ۱۳۹۶ :۱)

جدول ۱: تأثیر دگرگونی‌های فرهنگی معاصر ایران بر دگرگونی‌های معماری ایران (مأخذ: معظمی و حجت، ۱۳۹۶)

حوزه‌های کلان تأثیرپذیری	نمودهای تأثیرپذیری
دگرگونی بنیان‌های اندیشه‌ای	• به فراموشی سپردن و تخریب وسیع آنچه به گذشته مرتبط باشد. • سرکشی حقیرترین باورها و پندارها در برابر اصل‌ترین آن‌ها • سرگردانی و نوسان جامعه ایرانی در میان دو قطب سنت و نووارگی • تولید فرهنگ‌های شهری در تقابل با یکدیگر و در تعامل با فرهنگ‌های روستایی • تمایل قشر متوسط برای تقلید • تولید نمونه‌های شاخص معماری در شرایط گلخانه‌ای اندیشه
تعامل با الگوها و نسخه‌های دنیای غرب	• جهانی‌شدن تمامی مسائل مربوط به شهر و معماری • سنجش همه‌چیز با غرب (خوب یا بد) • از دست دادن پیوند معماری با گذشته‌اش و پیروی از سبک‌ها و گرایش‌های جهانی • رواج یافتن و بنیاد نهادن معماری وارداتی، بردن توجه به گنجایش فرهنگی کشورمان
تحولات چهره و لحن معماری	• مطرح‌شدن معماری از مفهوم کالا و نه مکان زندگی و شهر در حکم انبار کالا و نه بستر مدنیت • تبدیل معماری ایرانی به‌عنوان یک هویت واحد به معماری‌ها در ایران یا به عبارتی «هویت کثیر» • خاور کوتاه‌مدت و افول سریع محله‌ها و چهره‌های گوناگون معماری • اعمال سلیقه‌های شخصی معمار و یا پیروی وی از خواست و سلیقه کارفرما • خردگرایی و تلاش برای خلق اثری متفاوت با اطراف
تقابل و تعامل اندیشه‌ای حاکمیت و مردم	• رؤیاپردازی حاکم بر جامعه، از آن حاکمیت و مردم همواره دنباله‌رو (تا دهه ۴۰) • پویاسازی تک‌تک افراد در تقابل و تعارض با رویای حاکمیت (از دهه ۴۰ به بعد) • عدم تطابق پیش‌بینی‌های فرهنگی در برنامه‌ریزی‌ها با آنچه در طول برنامه اتفاق می‌افتد. • تبلیغ فرهنگ مورد قبول حاکمیت توسط کانون‌های تولید اندیشه و فرهنگ

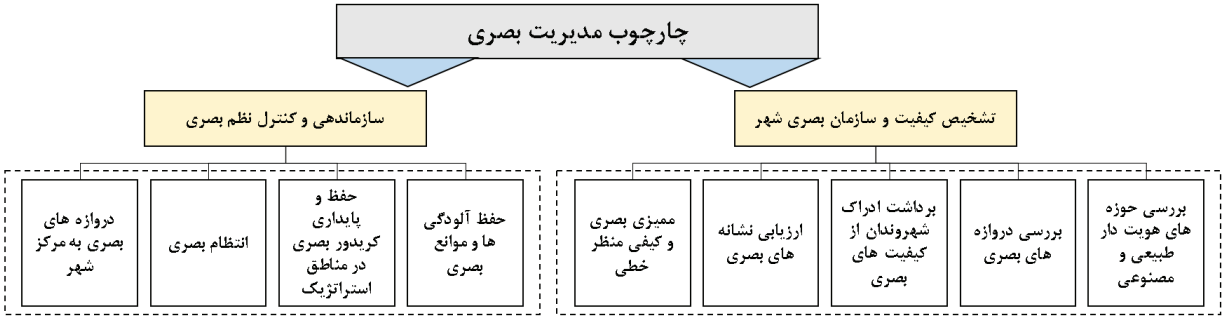
دیدگاه معماران در طراحی نمای ساختمان: نمای ساختمان بخشی مهم از منظر خرد بوده که تأثیر زیادی بـر ادراک زیبـایی‌شناسـانه افراد نسبت به محیط شهری پیرامون آن‌ها دارد؛ به همین سبب توجه پایه‌ای به آن در فرآیند طراحی و تولیـد یـک اثـر معمـاری لازم اسـت. درواقع می‌توان گفت، هر یک از این آثار حاصل تفکر معماران و طراحانی با الگوهای ذهنی متفاوت بوده که ماحصل آن شکل‌گیـری سـیمای بصری و هویت شهر می‌باشد. (جم و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴۱). عقیده معمار در رابطه با مؤلفه‌های طراحی نمـا از بعـد زیبـایی‌شناسـی، حـاکی از الگوهای ذهنی معمار و نقش وظایف وی در راستای هویت بخشیدن به سیمای شهری می‌باشد. این الگوی ذهنی- نظری بر اصولی آشـکار و آگاهانه که در ذهن معمار سامان‌یافته، در قالب طرح نهایی به مرحله ظهور می‌رسد و به امری واقعی تبدیل‌شده و زبان ابزار یک معمار را شکل می‌دهد(مستقیمی، ۱۳۹۱: ۵۱).

اعمال نقش یا سلیقه شهروندان در طراحی نما: اعمال سلیقه در نمای ساختمان‌های امروز، معنایی ندارد؛ اما درعین‌حال طراح و بسازو بفروشان و پیمانکاران باید جوابگوی مد روز و سلیقه رایج در بازار و موردنظر شهروندان به‌عنوان مشتری باشند؛ درواقع شرایط حـاکم بـر بـازار مسـکن معماران را ملزم به جلب رضایت کارفرمایان و دور نماندن از بازار رقابتی مسکن نموده و آنان را وادار به هنرنمایی و خلاقیت در طراحی نمـای ساختمان‌ها می‌نماید(سجودی و نعمت گرگانی، ۱۳۹۶: ۴۹). بدین ترتیب مالکین و بسازبفروش‌ها در پی شاخص نمودن ساختمان‌هـای خـود و جلب رضایت مشتریان بوده و مشتریان نیز به دنبال واحدهای مسکونی می‌باشند که علاوه بر سـازگاری بـا وضـعیت اقتصـادی و مـالی آنـان، شخصیت آنان را نمایش دهد. (شیدانه مرید و صارمی، ۱۳۹۴: ۶)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

پیامدهای اعمال سلیقه کاربران در طراحی‌ها: با خیزش ناگهانی و سریع اخیر در راستای حفظ منابع مردم با رویکرد حفظ و ارتقاء کیفیت مناظر عمومی، ارزیابی منظر به خواسته‌های عمومی مردم مرتبط گردید. جذابیت بصری درنهایت محصول مجموع نظرات افراد ناظر مرتبط با منظر خاص است. ارزش و کیفیت بصری یک منظر با توجه به سلایق کاربران، از کل منظر رتبه‌بندی می‌گردد (تراب‌زاده، ۱۳۹۴: ۸)، البته باید به این نکته توجه کرد که شخصیت ناظر و موقعیت وی نظیر طول مدت مشاهده، شرایط اجتماعی، اقتصادی ناظر، نوع ویژگی‌های فیزیکی منظر، پویایی و پیچیدگی مؤلفه‌های منظر، قادرند مشاهدات وی را تحت تأثیر قرار دهند. در همین خصوص «ادوارد تی هال[8]» و «جیمز استوارت[9]» در خصوص روایی عکس‌ها تردید داشته و به دو نکته توجه دارند(سجودی و نعمت گرگانی، ۱۳۹۶: ۴۹):

۱. ارزیابی‌های ناشی از تفاوت‌های بین محل و زمینه موجود در عکس
۲. فرد ارزیاب- به‌جای میانگین گروه- واحد مناسب‌تری برای تحلیل آزمون‌های روایی ارزیابی است.



نمودار ۲: چارچوب راهبردی مدیریت بصری (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹)

در منظر و محیط شهری که انسان جزئی از منظر محسوب می‌شود، ناظر با تمام شرایط خود در درک هویت و زیبایی دخیل می‌باشد. (واعظی، ۱۳۹۱، ۵۸)

وجه تمایز بوردیو با دیگر نظریه‌پردازان: بدون شک یکی از بزرگ‌ترین جامعه‌شناسان پساساختارگرای قرن بیستم «پیر بوردیو»ی فرانسوی است که تأثیر و نفوذ فکری قابل‌ملاحظه‌ای بر چهره‌های روشن‌فکر و دانشگاهی در حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی داشته است. گستره و عمق آثار وی و حتی آمار آن‌ها باعث شده است که این آثار از پرثمرترین مجموعه‌های نظری و پژوهشی دانش جامعه‌شناسی به حساب آیند. وی در زمینه‌های متفاوت زندگی اجتماعی و واقعیت‌های پیرامون خود به اظهارنظر پرداخته و حوزه‌های گوناگون اجتماعی را میدان آزمایش مفاهیم و اندیشه‌های خود قرار داده است. (Hollander & Anderson, 2020). بوردیو جامعه‌شناسی است که بر بسیاری از رشته‌های علمی دیگر تأثیرگذار بوده، زیرا مرزهای علمی را نادیده گرفته و پژوهش‌های متنوعی در زمینه‌هایی مختلف انجام داده است. (شریعتی و وطن‌خواه، ۱۳۹۲: ۲۴۲) وی در پژوهش‌های خود از «روش تلفیقی» استفاده کرده و با نگاه میان‌رشته‌ای به حوزه‌های متفاوت دانش، از تاریخ و فلسفه و ادبیات گرفته تا جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و علوم سیاسی، همه را موردتوجه قرار داده است. پیر بوردیو» یکی از بزرگ‌ترین جامعه‌شناسان قرن بیستم است که درصدد برآمد نظریه جامعه‌شناختی جامع و نوینی را پی‌ریزی کند. (Yammiyavar & Roy, 2019). وی در این مسیر با خلق برخی مفاهیم کلیدی مرتبط با هم، کوشید آن‌ها را با واقعیات تطبیق دهد و به شیوه‌ای دیالکتیکی از پارادوکس‌های موجود در جامعه‌شناسی، مانند عینیت‌گرایی/ ذهنیت‌گرایی، ساخت/ عامل، و خرد/ کلان که به هم وابسته و درعین‌حال بسیار هم گمراه‌کننده‌اند، فراتر رود و به جایگزینی (آلترناتیوی) برای این مسائل آشتی‌ناپذیر دست یابد. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که بوردیو به تفصیل مورد مطالعه قرار داده است، موضوع سلیقه و ذایقه افراد است. وی، ذوق و سلیقه یکی از مهم‌ترین یکی از مهم‌ترین غنائم و اقلامی به شمار می‌آید. به همین دلیل وی بیشتر از عبارت «ایدئولوژی سلیقه» استفاده نموده است (سجودی و نعمت‌گرگانی، ۱۳۹۶: ۴۷)

نظریه تمایز بوردیو در خصوص سلیقه: بوردیو در کتاب «تمایز»، طبقه اجتماعی را شامل افرادی می‌داند که نه‌فقط ازلحاظ اقتصادی از جمله درآمد و دارایی بلکه ازنظر سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، ذائقه و سبک زندگی وضعیت مشابهی دارند(Yammiyavar & Roy, 2019). بوردیو در این کتاب، به تحلیل انتخاب‌های سبک زندگی پرداخته و آن را ازاین‌جهت بااهمیت دانسته است زیرا تمایزات اجتماعی امروزی را می‌توان از رهگذر صور فرهنگی بیان کرد (Barati & Kakavand, 2013). می‌توان دید که سبک و سیاق استفاده از کالاها به‌ویژه آن دسته از کالاها که ممتاز قلمداد می‌شوند، تشکیل‌دهنده‌ی یکی از نشانه‌های کلیدی هویت و نیز سلاحی ایده‌آل در استراتژی تمایز از سایر گروه‌ها و طبقات اجتماعی است

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

(بوردیو، ۱۳۹۶: ۲۹). بوردیو در بعد هستی‌شناسی جامعه را فضایی اجتماعی مرکب از مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از میدان‌ها- ساختارها- و افرادی دارای عادت‌واره‌های مرتبط با میدان‌ها می‌داند که به‌عنوان کنشگر در قالب قواعد حاکم بر میدان‌های اجتماعی و طبق عادت‌واره‌های خود در جهت دستیابی به انواع سرمایه‌ها باهم در تعامل و رقابت قرار دارند(بوردیو، ۱۳۹۵: ۵۸). کنشگران با تعاملات و کنش‌های خود در تثبیت یا تغییر فضای اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند؛ بنابراین فرد موجودی مختار و درعین‌حال مجبور است(Hollander & Anderson, 2020).

تقسیم‌بندی از نظر بوردیو به سه شاخه اصلی طبقه‌بندی می‌شود:

۱) سلیقه مشروع: افراد نخبه با سرمایه فرهنگی بالا آثار مشروع را پسندیده که در قسمت بالای نردبان اجتماعی قرار می‌گیرند. بوردیو معتقد است: «سلیقه مشروع همراه با تسهیل افزایش یافته و در میان گروه‌هایی از طبقه فرادست به بالاترین میزان می‌رسد که سرمایه بیشتر و غنی‌تر را دارند. در پایین‌ترین سمت آن، طبقه کارگر قرار می‌گیرند که نوعی نقطه مرجع منفی که همه زیباشناسی‌های خود را در مقیاس با آن و با نفی متوالی تعریف می‌نمایند(سجودی و نعمت گرگانی، ۱۳۹۶: ۴۵).

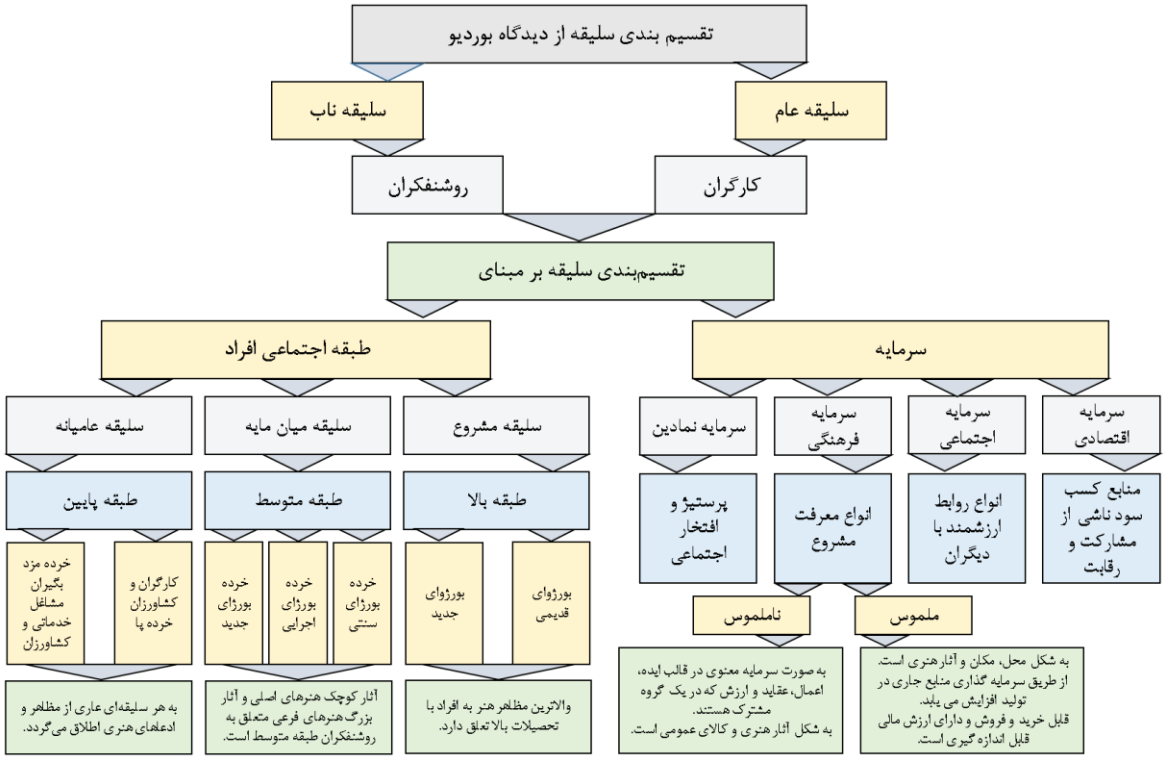
۲) سلیقه میان‌مایه و عامیانه: سلیقه‌ای است جدا از سلیقه برای نخبگان و سلیقه برای عامه یا سلیقه خواص و سلیقه عام. هنری است متعلق به طبقه متوسط که میان نخبگان و عوام قرار می‌گیرند. در همین رابطه «بل و هالونز» اعتقاد دارند: «بوردیو رابطه میان طبقه اجتماعی با فضای اجتماعی، سبک زندگی، سلیقه و میدان را به وضوح بیان کرده و معتقد است طبقات فرودست به جای تقلید از طبقات بالاتر از خود، سلیقه‌های متناوب خود را داشته و به شدت نیز از آن دفاع می‌نمایند. (آتشین صدف و خیری، ۱۳۹۶: ۱۶). بوردیو با تبیین رابطه میان ذائقه زیبایی‌شناختی و زمینه اجتماعی، بیان می‌دارد تفاوت‌های ذوقی افراد تفاوت‌هایی هستند که از جایگاه اجتماعی آن‌ها ناشی می‌گردند (رحمتی و مرادی، ۱۳۸۹، ۱۱). گزینش افراد در انتخاب نمای ساختمان نیز بیان‌گر سلیقه و ذائقه زیبایی‌شناختی آنان می‌باشد. همان‌گونه که معماری داخلی هر بنا نشان از سطح سرمایه های فرهنگی، اقتصادی و نمادین ساکنان آن دارد؛ انتخاب نوع معماری بیرونی و نمای ساختمانی آن نیز دارای حساسیت و اهمیت خاص را در میان افراد طبقه بالای جامعه ایجاد نموده و آنان را متمایل به نوع خاصی از سبک معماری، رنگ، مصالح یا برند خاصی از میان شرکت‌های سازنده و سرمایه‌گذار می‌نماید(تراب‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۳)

سرمایه از دیدگاه بوردیو: بوردیو سرمایه فرهنگی را مجموعه‌ای از توانمندی‌ها، عادات و طبایع فرهنگی نظیر دانش، زبان، سلیقه و سبک زندگی عنوان می‌کند. فرد جهت حفظ یا کسب یک موقعیت اجتماعی از آن بهره می‌گیرد. از نظر بوردیو سرمایه های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و نمادین به مثابه بخشی از جهان اجتماعی، به صور گوناگون قابل‌تبدیل به یکدیگر می‌باشند. (حقوقی‌نیا، ۱۳۹۴) بوردیو این تمایز را در انتخاب کالاهای مصرفی، به نوع ذائقه‌ها و سلایق افراد مصرف‌کننده مرتبط دانسته که خود گونه‌ای از سرمایه فرهنگی محسوب می‌شود. بوردیو این نوع رفتارها را در رویکرد خود «هابیتوس» یا «عادت‌واره» می‌نامند (تراب‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۰)

طبقه از دیدگاه بوردیو: از دیدگاه بوردیو، طبقه بیان‌گر میزان خاصی از اشکال مختلف سرمایه است که افراد مالک آن می‌باشند. (Crossley, 2001, 97) پی‌یر بوردیو معتقد است: «وظیفه علوم اجتماعی این است که بفهمد، ساختارهای عینی جامعه نظیر قواعد اجتماعی، نقش‌ها، هنجارها و نهادها به چه صورتی بر رفتارهای ذهنی افراد تأثیر گذارده و رفتارهای اجتماعی چگونه واقعیت اجتماعی را بازآفرینی می‌نمایند.» در حقیقت وی بر این باور است که سلیقه‌ها و انتخاب افراد، تابعی از میزان سرمایه‌های آن‌ها و به‌تبع آن، جایگاه آن‌ها در فضای سلسله‌مراتب طبقاتی هستند. (Campbell, 2005: 26). بوردیو در کتاب تمایز خود معتقد است ذوق و سلیقه قبل از هر چیز، بی‌میلی و اکراه نسبت به سلیقه دیگران می‌باشد. (حقوقی‌نیا، ۱۳۹۴)

تأثیر طبقه اجتماعی بر رفتار و سلیقه افراد از دیدگاه بوردیو: از دیدگاه بوردیو، اعمال و بازنمایی‌های نه کاملاً تعیین شده‌اند، زیرا عاملان انتخاب می‌کنند و نه کاملاً آزادند؛ زیرا انتخاب‌ها به‌وسیله عادت‌واره‌ها جهت می‌یابند. بر اساس مشابهت‌های «عادت‌واره» سبک‌های مختلف زندگی شکل می‌گیرند که در مجموعه‌ای از سلیقه‌ها که طبقه و یا جناحی از یک طبقه را مشخص می‌کنند. (موید حکمت، ۱۳۹۲: ۱۶۸)، بوردیو ذوق و سلیقه افراد را شدیداً به موقعیت آنان در فضای اجتماعی که در آن قرار دارند وابسته می‌داند. برای بوردیو ذائقه درواقع یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه نمادین فرهنگی می‌باشد. (زکی، ۱۳۹۵: ۲۱۲)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]



نمودار ۳: نظرات بوردیو در خصوص سلیقه (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹ به نقل از عیوضی ۱۳۹۵)

نماهای بناهای مسکونی شهر تهران از دهه ۸۰ به بعد: در این دوره اگرچه تنوع مصالح ساختمانی بسیار گسترده از پیش است اما مصالحی که در بناهای مسکونی بیشترین کاربرد را دارد در درجه اول انواع سنگ‌های تراورتن و گرانیت و پس‌ازآن انواع آجرهای نما است و در موارد محدودتری شاهد استفاده از چوب، ورق‌های کامپوزیت آلومینیومی و گاه سیمان‌سفید در نماهای مسکونی هستیم(جلودار و جهانبخش، ۱۳۹۵).



تصویر ۱: نمونه‌هایی از نماهای مسکونی بعد در دهه ۱۳۸۰-۹۰ (مأخذ: جلالی، ۱۳۸۸).

به لحاظ فرم کلی، بناها در اکثر موارد، بیش از آنکه ترکیبی از چند حجم باشند، به شکل یک حجم واحد ظاهر می‌شوند و در اغلب بـه‌نـدرت تنها از یک نوع مصالح در نمای آنان استفاده می‌شود (جلالی، ۱۳۸۸).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

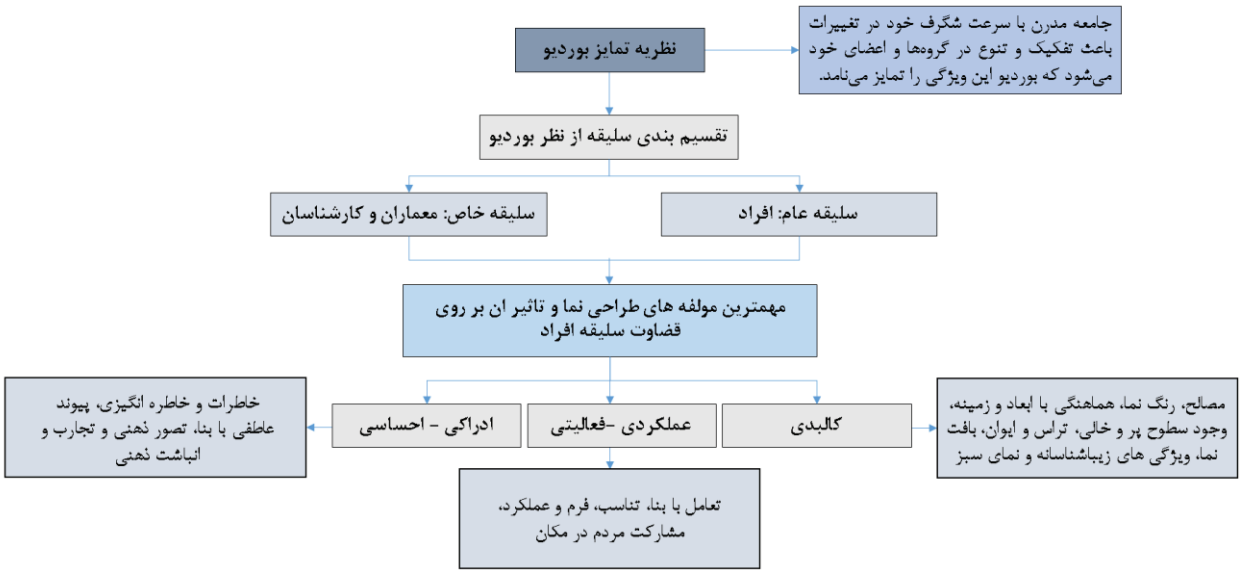
جدول۲: مرور ادبیات و سوابق تحقیق

نویسنده یا نویسندگان	نوع اثر	عنوان	نکات برجسته و روش تحقیق
Bourdieu 1987	کتاب	تمایز، نقد اجتماعی، قضاوت‌های ذوقی	در این کتاب "بوردیو" به بررسی نقش مصرف کننده درباره تولید جایگاه اجتماعی و طبقاتی فرد در کنار سایر مولفه‌های اقتصادی در فرانسه پرداخت. قصد وی از این تحقیق این بود که نشان دهد چگونه گروه‌های خاص به ویژه طبقات اجتماعی– اقتصادی از میان چیزها، انواع کالاهای مصرفی، روش‌های تهیه خوراک، مبلمان و تزیینات داخلی منزل را به‌کار می‌گیرند قصد دارند روش زندگی متمایز خود را به دیگران افاده کنند. وی مصرف و الگوی آن را معیاری مهم در تعیین جایگاه فرد در فضای اجتماعی ارزیابی می‌کند.
Lefebvre 2014	کتاب	به‌سوی معماری خوشایند	وی در این کتاب به معماری لذت‌بخش پرداخته است که بر بدن و حرکت‌های آن از منظر حواس متمرکز است. وی به خوشایند بودن گردش بدن در بیرون و درون بنا و یادمان‌ها، فضاهای شهری، باغ‌ها و منظر شهری اشاره کرده و باور دارد عرصه‌هایی که به لذت بردن، حس گرایی و امیال اختصاص داده شده‌اند، محدوده‌های شهری مهمی برای پشت سرگذاشتن یکنواختی فضاهای صنعتی مدرن می‌باشند.
Webster 2017	کتاب	بوردیو برای معماران	این کتاب که در سال ۱۳۹۶ با ترجمه احسان حنیف، از سوی انتشارات فکر نو با موضوع فلسفه و مبانی نظری معماری چاپ گردید، فرهنگ فضایی و مادی را به خواننده (معماران و طراحان) معرفی کرده تا به معماران در درک اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حرفه‌ای که در آن مشغولند کمک نماید.
پاکزاد ۱۳۸۳	مقاله	پدیدارشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۷ شهرداری تهران	وی در این تحقیق به بررسی پدیدارشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی و سیر تکوینی توقعلت از آن پرداخته است. فرضیه محوری این مقاله مبین آن است که نابسامانی نماهای ساختمان‌های ما ریشه در عدم پاسخگویی مناسب به توقعاتی دارد که در طول تاریخ نسبت به نما ایجاد شده است. توقعاتی چون محافظت از مساکن در مقابل تهدیدهای خارجی، ایجاد ارتباط میان درون و بیرون، معرفی شخصیت و اعتبار مالک و طراح و بالاخره عدم تکروی و قبول مسئولیت در عضویت واحد بزرگتری به‌نام فضای شهری
مودتی ۱۳۹۲	پایان‌نامه	بررسی ذائقه معماری خانه در سیمای شهر تهران پس از انقلاب اسلامی	در پژوهشی به بررسی ذائقه معماری خانه در سیمای شهر تهران پی از انقلاب اسلامی پرداخت. وی با به رسمیت شناختن کارکرد فرهنگی و نمادین خانه، تلاش کرد تا با نگاهی غیرارزش‌گرایانه و با اتکاء به آرای "پی‌یر بوردیو" و "هربرت گانز" در حوزه جامعه‌شناسی هنر و فرهنگ تنها به تحلیل روند ذائقه در معماری مسکونی شهر تهران و یافتن عوامل موثر در این تحولات در دهه ۴۰ تا ۹۰ بپردازد. وی معتقد است، افراد از هر فرهنگ و ذائقه‌ای برای داشتن و انتخاب خانه خود محق‌اند و این امر از طریق پاسخ‌های معمارانه جامعه‌شناسانه دنبال می‌شود نه از طریق سازوکارهایی مبتنی بر سودخواهی‌های بی‌رویه که منجر به تسلط بر این ذائقه و به حاشیه ماندن دیگر ذائقه‌ها می‌شود.
گنجی و حیدریان ۱۳۹۳	مقاله	سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ با تاکید بر نظریه‌های پی‌یر بوردیو و دیوید تراسبی	مفهوم ذائقه در نظریات بوردو به عنوان نقطه عطفی می‌باشد که در مناسبت اقتصادی (تولید و مصرف) محصولات فرهنگی و هنری نیز اثرگذار می‌باشد و سرانجام می‌تواند در ارتقاء سرمایه فرهنگی، کنشگران اجتماعی و کسب سرمایه اقتصادی آنان در میدان تولیدات فرهنگی نقشی فعال داشته باشد.
تراب زاده ۱۳۹۴	پایان نامه	تناظر سرمایه و مصرف در معماری ساختمان های مسکونی تهران	وی در این پژوهش با استناد به رویکرد بوردیو به سنجیدن سلایق افراد طبقه بالای شهر تهران در ارتباط با سیمای شهری و در بخش جزئی تر نمای ساختمان های مسکونی می پردازد و با رسیدن به این نتیجه که میان جایگاه اجتماعی و میزان سرمایه افراد با سلیقه زیبایی‌شناسی آنها رابطه مستقیم وجود دارد، فرضیه‌های خود را به اثبات رساند. وی تاکید دارد سلیقه افراد نه انتخابی ذاتی و انعکاس یافته از سطح فرهنگی آنان است بلکه سطح سرمایه آن ها علایقشان را مشخص کرده و تحت تاثیر قرار می دهد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

حقوقی نیا ۱۳۹۵	مقاله	علل تمایل شهروندان تهرانی به معماری و نمای کلاسیک نئوکلاسیک در دهه اخیر در تهران	حقوقی نیا در این مقاله به استفاده روزافزون از نماهای غربی در شهر تهران اشاره کرده و تاکید دارد که با توجه به معماری ایرانی ـ اسلامی و پیشینه درخشان آن استفاده از سبک های کلاسیک و نئوکلاسیک نامربوط است. لذا تحقیق خود را در ابتدا با تعاریفی پایه و مرتبط با این موضوع شروع کرده و در ادامه با نگاهی گذرا به روند تاریخی ورود عناصر معماری غربی به معماری معاصر ایران، راه را برای اعمال نظر اساتید و معماران و کارشناسان امر باز کرده و در نهایت به علل گسترش و استقبال کارفرمایان و شهروندان تهرانی به این سبک ها اشاره کرده و آن را مورد کنکاش قرار می دهد.
کسروی ۱۳۹۶	مقاله	زیبایی‌شناسی نمای ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۷ شهرداری تهران	وی در تحقیقی به بررسی سلیقه مردم منطقه ۱۷ تهران از نظر نمای ساختمان‌های این منطقه که کالبدی فرسوده داشته و در گذشته نه چندان دور، فقر جزء جدایی ناپذیر ساکنان این منطقه مهاجرپذیر بوده است، پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، با توجه به اتفاقات سال‌های اخیر همچون افزایش قیمت زمین و مسکن، گسترش تهران، افزایش جمعیت و قرارگیری این منطقه در متن شهر تهران، تمایل روشنی در مردم ساکن برای تغییر سابقه ذهنی ناشی از فقر در گذشته و نشان دادن نوعی رفاه در زندگی آنان می‌باشد. نیز، گرایش فراوان به استفاده از سنگ در نما، پیدایش نماسازی کلاسیک غربی، ترادف نو بودن و زیبایی در ذهن ساکنان و استفاده از رنگ‌های جلب توجه شده، نشان دهنده تمایل مردم برای ابراز تمایز و تغییر طبقه اجتماعی است.
مدنی پور و همکاران ۱۳۹۶	کتاب	طراحی شهری، فضا، جامعه	دکتر مدنی پور، مولف و استاد دانشگاه نیوکسل در این تحقیق موضوعاتی چون اقتصاد دانش بنیان و یا سرمایه های اجتماعی و تاثیر آن بر شهرسازی را مورد مطالعه قرار داده و با رویکردی انتقادی ارتباط میان فرآیندهای اجتماعی- اقتصادی و نقش، کارکرد و تاثیر آن بر ساخت سیمای شهرها را بررسی می کند. وی از مفهوم فضای شهری به عنوان کلیدواژه ای مهم برای ایجاد ارتباط میان مباحث اجتماعی و محیط ساخته بهره برده و طی آن به دنبال پاسخی مناسب برای سوالاتی همچون "چگونه فضا از طریق فرآیندهای اقتصادی میان شهروندان تقسیم‌بندی می‌شود؟" و این که "چگونه تکه‌تکه شدن‌های فضایی سبب گسیختگی‌های اجتماعی- فرهنگی در بخش‌های مختلف در طراحی شهر می‌شود؟"
محمد حسینی و همکاران ۱۳۹۸	مقاله	تحلیل نقش روش زندگی طبقات اجتماعی در الگوی مسکن	محمد حسینی و همکارانش در پژوهشی که در ارتباط با الگوی مسکن شهر اردبیل بود، وجود اختلافات در سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را در شکل‌گیری طبقات اعیان و متوسط موثر دانسته و اذعان داشتند که این مهمترین دلیل در تفاوت‌های کالبدی و فضایی خانه‌ها شده است. همچنین اضافه نمودند، با وجود آن که مردم اردبیل در بسیاری از مولفه‌ها در سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی دارای اشتراکاتی با یکدیگر هستند اما آنچه موجب تمایز طبقاتی در خانه‌های آنها شده، نوع برخورد متفاوت در قبال این مولفه‌ها است. به نحوی که طبقه اعیان اغلب در مواجهه با موضوعاتی چون جایگاه، روابط و هویت اجتماعی، سلیقه و ذائقه‌ای پرتکلف‌تر و همراه با القای حس تمایز و تفاخر را اعمال نموده و این نمود را در نمای ساختمان، ورودی، فضای مهمان و تزئینات بنا به نمایش می‌گذارند.
ظریف‌پور لنگرودی ۱۳۹۹	پایان‌نامه	تبیین نقش نماهای شهری در ایجاد دلبستگی به مکان در بین شهروندان تهران	هدف اصلی وی در این پژوهش بررسی و شناسایی عناصر نما با تاکید بر معانی و ادراکات ذهنی شهروندان و نقش نما در ایجاد دلبستگی به مکان بوده است. وی جهت نیل به اهداف مورد نظر، نمای ساختمانی را در قالب ابعاد کالبدی، ادراکی، احساسی و عملکردی- فعالیتی بررسی نمود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد عوامل کالبدی مهمترین اثرگذاری را بر احساس دلبستگی به مکان درمیان شهروندان تهرانی ایفاء می‌نمایند. همچنین تعامل با بنا، تناسب فرم و عملکرد و هماهنگی با ابعاد بومی و زمین‌های مهمترین معیارهای کالبدی تاثیرگذار در این پژوهش بوده‌اند.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]



نمودار ۴: مدل مفهومی و متغیرهای استخراج شده از چارچوب نظری پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

بحث

سلیقه در معماری به معنای انتخاب بنای مطلوب در شمار مباحث مهم این عرصه قرار دارد که به عوامل متفاوتی نسبت داده می‌شود؛ اما به‌طورمعمول به دو صورت مقدماتی قابل‌فهم است. یکی مرتبط با مشاهده خصوصیات ظاهری یا عینی بنا و دوم از منظر ادراک حسی و مرتبط با ذهنیات فرد. برای دستیابی به دیدگاه معماران و صاحب‌نظران درزمینهٔ مفهوم «سلیقه شهروندان تهران در طراحی نماهای مسکونی» مصاحبه‌ها، همان‌طور که در روش پژوهش توضیح داده شد، صورت پذیرفت.

کدگذاری باز: در این مرحله، بارها و بارها داده گردآوری‌شده، مرور شده و از زوایای گوناگون به آن توجه شده است. در این مرحله پژوهشگر با مرور مجموعه داده‌های گردآوری‌شده تلاش می‌کند که مفاهیم مستتر در آن را بازشناسد. در این مرحله با ۲۰ متخصص و معمار مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته صورت می‌گیرد و این روند تا اشباع نظری داده‌ها ادامه دارد. برای هر مجموعه به‌صورت مجزا و به‌اختصار، چکیده‌ای کوتاه از مصاحبات انجام‌شده، آورده می‌شود و خروجی نرم‌افزار به‌صورت یک نمودار در ادامه قرار می‌گیرد.

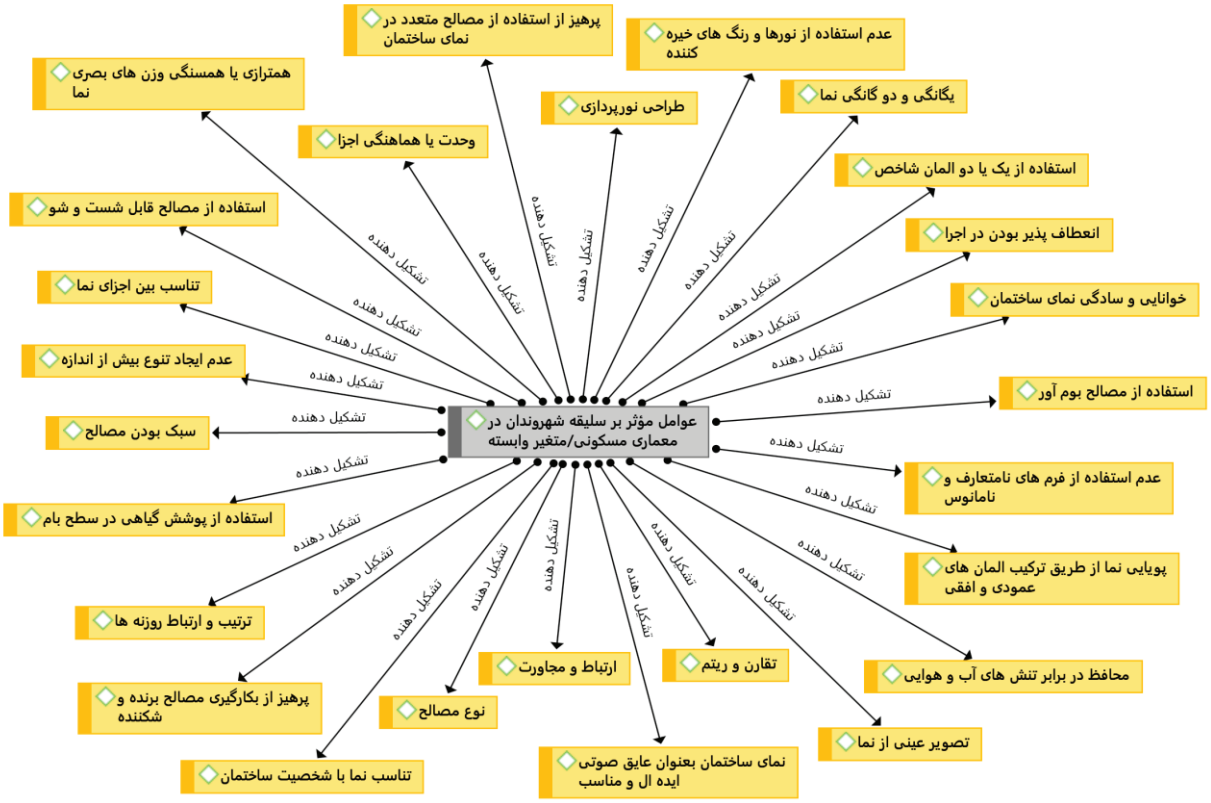
جدول ۳: نمونه‌هایی از گزاره‌های برگرفته از متن مصاحبه و برداشت

افراد	گزاره‌های برگرفته از متن مصاحبه و برداشت
عبدالرضا زکایی استاد معماری دانشگاه و نویسنده کتاب معماران ایران	ارتباط میان سلیقه مردم در ساخت بناهای مسکونی و جریانی که معماران آن را هدایت می‌کنند به‌صورت کاملاً دوسویه است. از طرفی معماران می‌توانند نظریات و اندیشه‌های خود را در حوزه معماری به مردم تحمیل کنند و از طرف دیگر مردم می‌توانند با سبک زندگی و الگوهایی که برای زندگی‌هایشان انتخاب می‌کنند در هدایت این جریان نقش داشته باشند. اگر به معماری بناهای ۵۰ سال گذشته نگاه کنیم عنصر ظرافت را در طراحی آن‌ها به‌وضوح می‌بینیم. بناهای ایرانی باید اصالت ایرانی داشته باشد و بر اساس سلیقه و روح ایرانی طراحی شده باشد. به نظر من تهران یکی از زشت‌ترین شهرهای جهان است درحالی‌که می‌توانست یکی از بهترین شهرها از نظر معماری و شهرسازی باشد. از مسائل مطرح و مهم در میان مردم هر سرزمینی، مکان زیست و روح حاکم بر سبک زندگی گذشتگان آن است.
محمد سالاری، رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر تهران	ازآنجایی که در گذشته هیچ‌گونه نظارتی بر روی طراحی نما اعمال نمی‌شد؛ این موضوع موجب شده بود تا هر مالک و یا سازنده‌ای برحسب سلیقه و شرایط خود، اقدام به طراحی و اجرای نمای ساختمان کند. پیامد این موضوع این بوده که منجر به بروز اغتشاش و نابسامانی در منظر و سیمای شهرهای کشور به‌ویژه تهران شده است. در کمیته‌های نما باید فضا باز باشد تا مردم و معتمدین و دیده‌بان‌های شهری مشارکت کنند و رویکرد در جهت تحقق حقوق عمومی شهر باشد. این در حالی است که بعضاً احکامی در کمیته‌های نما صادر می‌شود که سلیقه‌ای است و مبانی ندارد و این باعث شده که خلاقیت‌های قبلی معمارانه از دست برود. لذا این امر یکی از اشکالات جدی در این بخش است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

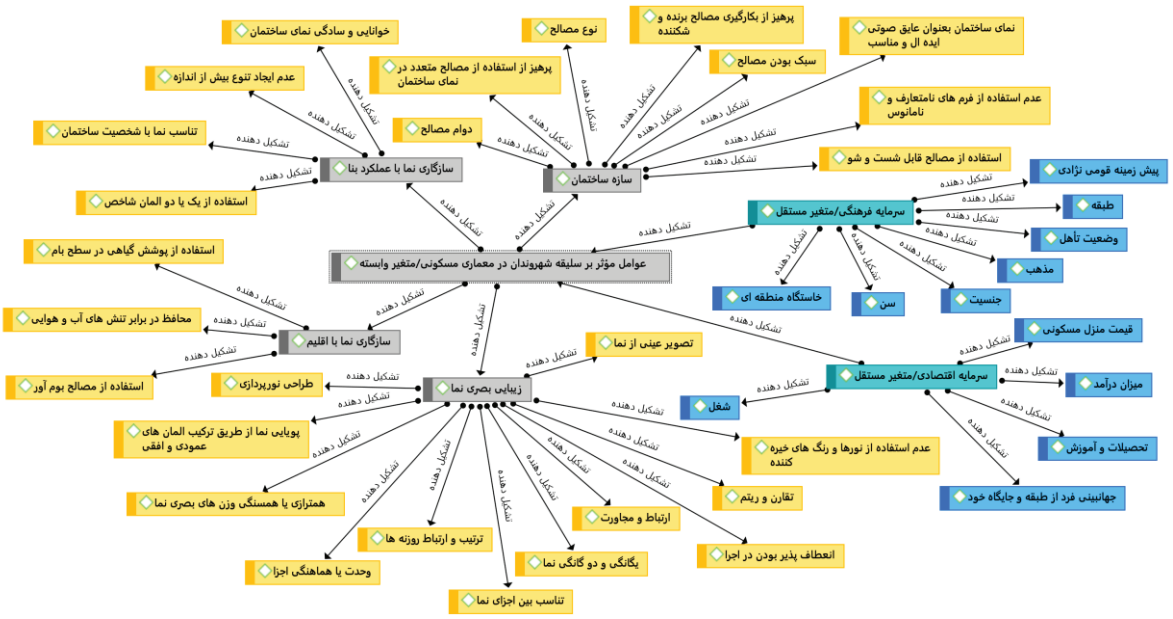
یکی از اعضای گروه مهندسین آرکاورجاوند	طراحی نما ساختمان مسکونی نکته ای مهم است که باید به آن توجه ای ویژه داشت زیرا در هنگام وارد شدن به ساختمان اولین چیزی که جلب‌توجه می کند نمای خارجی ساختمان است. توجه داشته باشید که نمای بیرونی ساختمان اگر به‌درستی انجام شود باعث افزایش کیفیت و درجه مادی ساختمان می‌شود و علاوه بر این نمای ساختمان اگر زیبا و خاص باشد در ذهن هر بیننده‌ای به‌صورت اثری به‌یادماندنی ثبت می‌شود. نما ساختمان همچنین باعث زیباسازی و افزایش عمر ساختمان‌های مسکونی می‌شود. در طراحی نما هر ساختمان مسکونی می‌تواند از مصالح مختلفی نظیر سنگ و آجر و شیشه و... استفاده شود که نمای ساختمان سنگ و نمای آجری ساختمان از قدیمی‌ترین انواع نماها هستند که از زمان‌های گذشته تا به امروز موردتوجه طراحان و معماران ساختمان قرارگرفته‌اند.
محمدمهدی عابدی طراح شهری، مدرس دانشگاه و عضو علمی کمیته نمای منطقه ۲ شهرداری تهران	خیلی جالب است بدانید هنوز مشخص نیست یا حداقل من نمی‌دانم که چه شد که نماهای رومی و کلاسیک وارد ایران شد. البته نکته جالب اینجاست که بسیاری معتقدند که اصلاً این نما محصول خود ایرانی‌ها است؛ یا به قول یکی از اساتید کمیته نمای مناطق، خودِ رومی‌ها به نمای رومی می‌گویند نمای ایرانی! چون شما در کشورهای توسعه‌یافته مشاهده نمی‌کنید که برای نمای مسکونی –به‌خصوص نماهای مسکونی پرتراکم– از تناسبات نمای رومی یا کلاسیک استفاده کنند. چون توقع دیگری از یک نمای مسکونی دارند. به‌هرحال برخی طراحان و سازندگان ایرانی به‌خصوص در تهران هستند که ذائقه بازار را خوب می شناسند و ابتکار عمل را در دست گرفته و سلیقه بازار را هم در دست می گیرند. ما از نمای هر ساختمانی یک سری توقعات داریم. مثلاً شما از نما و معماری یک بنای فرهنگی توقع دارید که نشان دهد که یک بنای فرهنگی است. یا از یک بنای اداری انتظار دارید که مشخص باشد اداری است. در مورد نمای مسکونی هم همین است. ما از یک نمای مسکونی توقع داریم که آرامش، صمیمیت، مردم واری و ... را نشان دهد.
یکی از اعضای شرکت مهندسین مشاور نقش شهر	برای طراحی نما یک ساختمان می توان از انواع نماهای کلاسیک، مدرن و ایرانی استفاده کرد که انتخاب هر یک از نماهای خارجی ساختمان سلیقه‌ای است. انتخاب مصالح برای نمای ساختمان مسکونی یکی از مهم‌ترین اصول طراحی نما است که باید موردتوجه قرار بگیرد. شرط رسیدن به یک نمای ایده‌آل و زیبا این است که بدانیم چه مصالحی را باید در کنار یکدیگر به کار ببریم تا نمای خارجی ساختمان شما خاص و شیک به نظر برسد. به‌طورکلی در طراحی نمای یک ساختمان تنوع رنگ و تنوع بافت از اهمیت زیادی برخوردار است و می توان با انتخاب مصالح و مواد مناسب به نمای ساختمان زیبا و مناسبی دست یافت. نمای یک ساختمان بهتر است به صورتی طراحی شود که علی‌رغم خاص بودن با ساختمان‌های مجاورش نیز هماهنگی داشته باشد و خط و خطوطی از نماهای موجود در آن منطقه در طراحی نما به چشم بخورد. در طراحی نما، قبل از طراحی فرهنگ و بافت منطقه بایستی موردبررسی قرار گیرد. سپس نتیجه بررسی‌ها را با خلاقیت و هنر معماری ترکیب شود تا به نتیجه‌ای دلخواه و مطلوب رسید.
معاون هماهنگی امور عمرانی استان تهران	این در حالی است که استفاده از نماهای خطرناک همچون نمای شیشه‌ای و سنگی که در وقوع زمین‌لرزه بسیار حادثه‌ساز است و نمای رومی و نماهای ناهمخوان با نمای ایرانی و اسلامی نیز بسیار مرسوم به نظر می‌رسد که همین امر نیز یک آشفتگی بصری در شهر ایجاد می‌کند. وضعیت ظاهری ساختمان‌ها به‌قدری آشفته است که در بسیاری از نماهای اجراشده حتی کوچک‌ترین بررسی و نظارت فنی در اجرای آن‌ها و یا بررسی کیفیت مواد مورداستفاده در اتصال نما به سازه صورت نگرفته که در صورت وقوع زمین‌لرزه و یا گذشت زمان خطرات جبران‌ناپذیری برای دیگران به‌ویژه برای عابران و خودروهای پارک شده به همراه خواهد داشت. روندی که تاکنون در نظارت شهرداری‌ها بر ساخت‌وسازها و نماهای شهری وجود داشته، تأکید بر نماسازی و اخذ پایان‌کار و براساس دستورالعمل شورای عالی شهرسازی و معماری ایرانی بوده است و در این مورد مالکان و معماران به‌صورت سلیقه‌ای اقدام کرده‌اند. وی اظهار کرد: در خصوص نماهای شیشه‌ای یا سنگی درصدهایی برای حدنصاب استفاده از مصالح وجود داشته که متأسفانه معماران و مجریان نظارت دقیق بر رعایت اجرای آن‌ها نداشته و بنا داریم در آینده با تدوین دستورالعمل و تشکیل کمیته‌های فنی نماهای شهری نظارت بیشتری بر نحوه اجرای نماها داشته باشیم.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]



نمودار ۵: کدگذاری باز متون مصاحبه

کدگذاری محوری: در مرحله بعد، کدهای استخراج‌شده دسته‌بندی گردید، همچنین کدها دسته‌بندی، تدقیق و در قسمت‌هایی حذف شدند. تعداد ۲۳ کد به علت عدم انطباق با مبانی نظری حذف گردیدند. کدهای دسته بندی شده بر مبنای تفسیر و توصیف و انطباق با مفاهیم موجود در ادبیات نظری سلیقه شهروندان در طراحی نماهای مسکونی بود.



نمودار ۶: کدگذاری محوری و دسته‌بندی کدهای مفهومی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

تحلیل سلیقه شهروندان در طراحی نماهای مسکونی بر اساس نظریه تمایز بوردیو در دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۸: از مجموعه‌ی آنچه تاکنون ذکر شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که بررسی سلیقه و ذائقه در نماهای معماری مسکونی، تنها از طریق برقراری ارتباط میان مظاهر موجود معماری و کیفیت عوامل مؤثر در سلیقه و ذائقه افراد در هر دوره امکان‌پذیر است. به این معنی که نمای بناهای مسکونی با کارکردهای اجتماعی و میدان‌های تولید ارتباط مستقیمی دارد. معماری نمای بناهای مسکونی از دو جهت خود را از بسیاری از انتخاب‌های دیگر متمایز می‌سازد. از یک‌سو چنانچه بوردیو اشاره می‌کند، «بسیاری از خاص بودگی‌های تولید مسکن و روابطی که میان شرکت‌های ساخت‌وساز شکل می‌گیرد، از خصوصیت ویژه‌ی این محصول ناشی می‌شود که به طرزی ذاتی مؤلفه نمادین دارد. از سوی دیگر نیاز به معماری از سوی افراد، اساسی‌تر از آن است که قابل نادیده گرفتن باشد و از طرفی معماری نیز به همان نسبت وجود خود را به مصرف‌کننده مدیون است. جامعه از فرهنگ‌ها و جمعیت‌های ذائقه‌ای متفاوتی تشکیل‌شده که هریک به‌واسطه‌ی معیارهای زیباشناختی خاص خود، ترجیحات خاص خود را در رابطه با معماری دارد. بااین‌وجود، مطالعه‌ی ریخت‌شناسانه‌ی معماری مسکونی تقریباً حاکی از تسلط کمی یک یا دست کم دو مجموعه معیار نزدیک به هم در رابطه با ذائقه ی معماری مسکونی در هر دوره است؛ بنابراین تغییر ذائقه در معماری مسکونی، در حقیقت خود را به شکل تغییر ذائقه‌ی «مسلط» در هر دوره نشان می‌دهد. در حالت کلی می‌توان چنین عنوان کرد که تسلط یک ذائقه ارتباطی مستقیم با چگونگی رابطه‌ی عرضه و تقاضا دارد.

از سوی دیگر سازوکارهای مبتنی بر خودخواهی و رقابت که به دنبال دریافت مقبولیت جمعیت ذائقه‌ای پرتعداد است، در صورت عدم کنترل از طریق سیاست‌گذاری‌های مربوطه، به‌واسطه تمرکز بر یک مجموعه معیار ذائقه و سلیقه درنهایت منجر به تسلط آن سلیقه و ذائقه و در حاشیه ماندن دیگر سلیقه‌ها و درنتیجه ایجاد محدودیت در انتخاب سایرین می‌شود. ازآنجاکه بخش اعظم جمعیت ذائقه‌ای متوسط رو به پایین (اغلب به‌عنوان پرتعدادترین جمعیت ذائقه‌ای در میان سایرین) را قشر پردرآمدی تشکیل می‌دهد که نه به‌واسطه‌ی تحصیلات بالا و شغل متناسب با آن، بلکه از طریق شغل‌های سطح پایین پردرآمد کسب درآمد می‌کنند و ازآنجاکه این قشر قدرت خرید بیشتری دارد و چه‌بسا گاه بیشترین قدرت خرید)، عرضه‌کنندگان بیشترین تمرکز و سرمایه‌گذاری خود را بر روی جلب رضایت و ذائقه‌ای آنان قرار می‌دهند و به‌این‌ترتیب گسترش آن به‌واسطه‌ی تمایل به احاطه‌ی فرهنگی از سوی اقشار کم‌درآمد، هرچند با کیفیت پایین‌تر، چندان بعید به نظر نمی‌رسد.

آنچه از ریخت‌شناسی معماری مسکونی دهه‌ی ۸۰ برمی‌آید، حاکی از نوعی تعادل نسبی در عرضه‌ی هم‌ارز با تقاضاست. بناهای مسکونی در اکثر موارد از کیفیت مناسبی چه به لحاظ طراحی و چه مصالح و ساختار برخوردارند. اگرچه روابط اجزای فرمال ممکن است در بسیاری موارد از پویایی حجمی آن‌گونه که در دهه‌های ۶۰ و ۵۰ شاهدیم برخوردار نباشند، اما همچنان تا حدودی بر مبنای راهکارهای معمارانه دنبال می‌شوند. در کنار این موارد هم‌چنین بناهایی با کیفیت طراحی پائین‌تر دیده می‌شوند که به لحاظ بصری و روابط فرمال اجزا تا حدی متفاوت با گونه‌های دیگر ظاهر شده‌اند و اغلب دارای نماهایی تخت همراه با کاهش پویایی بصری‌اند. دهه‌ی ۸۰ به بعد دوره‌ای است که با بالا رفتن سطح درآمد خانوارها و درنتیجه توان خرید جمعیت زیادی از مردم همراه است. از سوی دیگر، ساختار اقتصادی کشور به‌گونه‌ای پیش می‌رود که سودآوری بخش خصوصی بیش از آن‌که در عرصه‌ی صنعت دنبال شود، در عرصه‌های دیگر ازجمله خریدوفروش طلا و در این دوره به‌ویژه مسکن تحقق یابد؛ و به‌این‌ترتیب در تغییر نظام عرضه‌ی معماری مسکونی تأثیرگذار است. در کنار این وضعیت، نهادهای تصمیم‌گیرنده نیز به‌مراتب تأثیر به سزایی درروند تغییر نظام عرضه از خود بر جای می‌گذارد. به‌این‌ترتیب که از یک‌سو وضع برخی قوانین از سوی شهرداری (ازجمله لزوم پرداخت هزینه‌ی پایان کار و فروش تراکم) و بالا رفتن هزینه‌های ساخت از این طریق سبب می‌شود تا جمعیت زیادی که در این دوره با افزایش درآمد روبه‌رو شده‌اند توان خرید اما نه الزاماً توان ساخت داشته باشند و به‌این‌ترتیب به تبدیل حوزه‌ی معماری مسکونی به عرصه‌ای برای سودآوری و سرمایه‌گذاری کمک می‌کند و از سوی دیگر سازمان نظام‌مهندسی در ابتدای این دهه با تصویب قوانینی مبنی بر لزوم برخورداری بنا از معیارهای فنی لازم، بدون در نظر گرفتن قوانینی که طراحی بنا را محدود به رأی معمار کند، مهندسان غیر معماری را در کار طراحی وارد کرد که نه بر مبنای دانش معمارانه، بلکه تنها به‌واسطه‌ی برخورداری از آموزه‌های فنی این رشته قادر به فعالیت در این عرصه بودند.

به‌این‌ترتیب معماری مسکونی این دهه عرصه‌ای برای تحقق ذائقه‌هایی می‌شود که اگرچه چندان متنوع نیستند، در هم‌زیستی نسبتاً متعادلی قرار دارند. آنچه به‌واسطه‌ی سازوکارهای پایه‌ریزی شده در دهه‌ی ۸۰ رخ می‌دهد، آغاز جریانی است که در دهه ۹۰ در قالب اوج‌گیری روابط به‌شدت سودخواهانه‌ی عرضه‌کنندگان و درنتیجه، ایجاد سازوکاری رقابتی در این حوزه، تصمیمات تازه‌ای را در سوی عرضه به دنبال دارد؛ تصمیماتی که از سودخواهی بیشتر سرمایه‌گذاران پیروی می‌کند، چه به دلیل طمع و چه فراهم بودن سود بیشتر و یا به این دلیل که عدم

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

موفقیت در بهره‌وری از سودهای موجود می‌تواند منجر به کاهش نرخ سود شود. این تصمیمات به‌ویژه در این دوره نمود بارزش را در از بین رفتن روابط فرمال حجمی نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که ملاحظات اقتصادی و سودخواهانه‌ی عرضه‌کنندگان، حتی در مواردی که این عرضه از طریق به خدمت گرفتن معماران صورت می‌گیرد، اغلب دیگر مجالی برای تحقق روابط آزادانه‌ی فرمال و پویایی بازی‌های حجمی باقی نمی‌گذارد و درنتیجه از بین رفتن عرصه‌های نیمه‌خصوصی که تا حدی به‌واسطه‌ی این روابط فرمال شکل می‌گیرند را در پی داشته و به‌این‌ترتیب تمام پویایی بصری بنا به بازی‌هایی در سطح خلاصه می‌شوند. همچنین ذائقه و سلیقه در نماهای بناهای مسکونی مسلط در دهه های ۸۰ و ۹۰ بسیاری از دلایل حضور و تداوم خود را مرهون سازوکارهای رقابتی و سودخواهانه‌ی شدید حاکم بر نظام عرضه است، صرف‌نظر از تقاضاهایی که ممکن است به‌واسطه‌ی تلاش برای دستیابی نمادین به جایگاه افراد ثروتمند ایجادشده باشند، چندان بعید به نظر نمی‌رسد که گرایشی این‌چنین فراگیر به ذائقه‌ای عرضه‌شده‌ی مسلط در سال‌های اخیر، تااندازه‌ای نیز ازآن‌جهت باشد که اساساً درک آن نیازمند تعلیمات پیچیده نبوده و خوانش آن ساده‌تر است. از این منظر، این‌که حضور چنین گرایشاتی در میان افراد تحصیل‌کرده تا چه اندازه در حال بالا بردن تعداد اعضای جمعیت ذائقه‌ای متوسط رو به پائین است، اهمیت پرداختن به مسئله‌ی عملکرد نظام آموزشی را پررنگ‌تر جلوه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

نقطه‌ی تلاقی معمار و تمام آموزه‌ها، تفکر و دانسته‌های نظری‌اش با سلیقه مردم، همواره یکی از نقاط چالش‌برانگیز در مسیر طراحی معماری است. این مسئله بیشترین اهمیت خود را در حوزه‌ی معماری نمای بناهای مسکونی به‌عنوان اختصاصی‌ترین انتخاب افراد درزمینهٔ ی معماری آشکار می‌سازد. درک ذائقه و نسبت آن از یک‌سو با فرد و از سوی دیگر با جامعه، به‌عنوان لازمه‌ی برخورد معمارانه با مسئله سلیقه افراد، پرسش اصلی این پژوهش است. از جمله محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق حاضر می‌توان به مشکلات ناشی از عدم همکاری لازم مراجع ذی‌ربط، مسئولین و متصدیان شهر تهران نام برد. ولیکن نوشتار حاضر تلاش کرده است تا با نگاهی غیرارزش گذارانه و با اتکا به آرای پیر بوردیو در حوزه‌ی جامعه شناسی هنر و فرهنگ، تنها به تحلیل روند ذائقه در معماری مسکونی شهر تهران و یافتن عوامل مؤثر در این تحولات در دوره ۱۳۸۴–۱۳۹۸ بپردازد. این بررسی اگرچه بر این باور است که افراد، از هر فرهنگ سلیقه‌ای، برای داشتن و انتخاب نماهای متناسب با معیارهای ذائقه‌ای خود محق‌اند، هم‌چنین معتقد است که این امر نیازمند آن است که از طریق پاسخ‌هایی معمارانه و جامعه‌شناسانه دنبال شود؛ نه از طریق سازوکارهایی مبتنی بر سودخواهی‌های بی‌رویه که منجر به تسلط یک ذائقه و در حاشیه ماندن دیگر ذائقه‌ها می‌شود. همپنین پی‌یر بوردیو با طرح نظریه تمایز به بیان تمایز و فرق آن با تفاوت پرداخت و معتقد بود سلسله مراتبی در تمایز برقرار می‌باشد که افراد را علیرغم قرار داشتن در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت و شرایط مرتبط با آن‌ها، با یکدیگر متفاوت می‌سازد؛ وی این فاصله ایجاد شده میان شرایط و موقعیت اجتماعی افراد را طبقه اجتماعی می‌داند. بوردیو سلیقه را رابطه میان تشخیص و تمایز افراد از یکدیگر دانسته و این را یکی از نشانه های تفکیک میان جایگاه اجتماعی و «سلیقه ناب» و «سلیقه بدوی» افراد بیان می کند. در واقع از نگاه وی میان جایگاه اجتماعی و سلیقه های زیبایی‌شناختی افراد رابطه مستقیمی وجود دارد. مبحث دیگری که در بحث سلیقه بوردیو بدان می‌پردازد موضوع سرمایه بالاخص سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو، مجموعه‌ای از توانمندی‌ها، عادات، طبایع فرهنگی [دانش، زبان، سلیقه و سبک زندگی] می‌باشد. ذائقه یا داوری زیباشناختی نه یک موهبت ذاتی، بلکه یک توانایی اجتماعی است که از طریق آموزش و طی روند اجتماعی شدن به دست می آید؛ و افراد به نسبت بهره‌ای که از امکانات و شرایط اجتماعی می‌برند، سطوح مختلفی از درک زیباشناختی را به خود اختصاص داده و درنتیجه از فرهنگ ذائقه‌ای متفاوتی بهره می‌گیرند که خود را در انتخاب‌های فرهنگی آنان آشکار می‌کند. انتخاب‌هایی که اگرچه در ابتدا بر مبنای ارزش‌های برآمده از داشته‌های اجتماعی افراد صورت می‌گیرند، اما همچنین تحت تأثیر سازوکارهایی خارج از این محدوده قرار می‌گیرند. در این میان، معماری به‌عنوان یکی از ماندگارترین و آشکارترین این انتخاب‌ها گرایش‌های زیباشناختی و ذائقه‌ی افراد را فاش می‌کند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سلیقه و ذایقه افراد مهم‌ترین عامل در سطح کیفیت نماهای بناهای مسکونی و به تبع آن سیمای شهر است. همانطور که بوردیو ذکر کرده است نماها عامل ارتباط بین شرکت‌های ساخت‌وساز و معماران هستند. باتوجه به اینکه سیما و کالبد بناهای مسکونی حاصل از تسلط معیارهای زیباشناختی افراد است؛ بنابراین تغییر ذائقه در معماری مسکونی، در حقیقت خود را به شکل تغییر ذائقه‌ی «مسلط» در هر دوره نشان می‌دهد. در حالت کلی می‌توان چنین عنوان کرد که تسلط یک ذائقه ارتباطی مستقیم با چگونگی رابطه‌ی عرضه و تقاضا دارد. شرکت‌های ساخت‌وساز به دنبال اجرای نماهایی هستند که از طرف تعداد کثیری از مردم مورد پذیرش باشد. این امر منجر به تسلط آن سلیقه و ذائقه و در حاشیه ماندن دیگر سلیقه‌ها و درنتیجه ایجاد محدودیت در انتخاب سایرین می‌شود. در پایان می‌توان راهکارهایی برای طراحی نما به‌صورت زیر پیشنهاد کرد:

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

جدول ۴: راهکارهای پیشنهادی

عناصر	نبایدها	بایدها
فرم، مصالح، رنگ	۱) منع استفاده از نماهای تمام شیشه‌ای یا تمام فلزی ۲) منع استفاده از رنگ‌های نامتعارف و ناهمگون در نمای ساختمان ۳) منع استفاده از مصالح متعدد ۴) منع استفاده از فرم‌های نامتعارف در طراحی و احداث بنا ۵) منع استفاده از مصالح بُرنده یا شکننده در نمای ساختمان	۱) استفاده از مصالح با دوام در مقابل فرسایش و آلوده شدن در نما ۲) هماهنگی رنگ غالب نما با رنگ ابنیه همجوار ۳) پوشاندن درز انقطاع بین دو ساختمان با مصالح متناسب با نما
ملحقات عناصر تاسیساتی در نما و تابلو	۱) منع طراحی و اجرای عناصر تاسیساتی به صورت نمایان در نمای اصلی و جانبی و جداره‌های شهری ساختمان ۲) منع درج نوشته بر نمای ساختمان مازاد بر آنچه که در نقشه نمای مصوب مجاز شمرده شده است.	۱) عناصر تاسیساتی اعم از مکانیکی، الکتریکی و ... در قسمتی ار ساختمان که در دید عموم قرار ندارد طراحی، اجرا گردند. ۲) محل تابلو در هنگام طراحی نمای ساختمان طراحی گردد.
پیش‌آمدگی و بازشوها	۱) منع ایجاد هر گونه اختلاف سطح در خط زمین در نما نظیر پله ۲) منع ایجاد هر گونه پیش‌آمدگی فضای ورودی در معبر عمومی ۳) منع استفاده از بازشوهایی بااشکال هندسی نامانوس در نما	۱) فضای ورودی ساختمان خوانا و متناسب با سایر اجزاء نما طراحی گردد.
بام بنا	۱) منع استفاده از عناصر تاسیساتی در بام بدون پوشش مناسب به گونه‌ای که از معابر جانبی قابل مشاهده باشد.	۱) خط پیشانی ساختمان، پیش‌آمدگی آن و تراز بام با ساختمان‌های همجوار هماهنگی داشته باشد. ۲) فرم، نما، رنگ و شکل غالب بام با ویژگی‌های معماری مورد تایید شهرداری هماهنگ باشد. ۳) تدابیری نظیر آبچکان برای بام جهت جلوگیری از ایجاد لکه ناشی از لغزش آب بر روی نما در نظر گرفته شود.

پی‌نوشت

1- William Lethaby
2- Georg Simmel
3- Norbert Elias
4- Vance Packard
5- Pierre Bourdieu
6- Thorstein Veblen
7- Guy Louis Debord
8- Edward T.Hall
9- James Stewart

فهرست منابع

- ابراهیمی میلانی، ا. (۱۳۹۴). ملاحظات زیبایی‌شناختی در منظر و سیمای شهر با تأکید بر نمای ساختمان‌ها (نمونه موردی: خیابان امام تبریز). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، پردیس بین‌المللی ارس.
- آتشین‌صدف، ع. ر.، خیری، م. (۱۳۹۶). بنیان‌های نظری سبک زندگی در اندیشه پی‌یر بوردیو با رویکرد انتقادی. پژوهش‌نامه سبک زندگی، شماره ۵، صص ۴۴ ـ ۹.
- اکبری، ع. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی سلیقه در معماری معاصر تهران. چکیده سخنرانی در نشست ۱۲۱ معماری فرم‌کالا در عصر جامعه‌النمایش، تهران.
- افشاری‌نادری، ک. (۱۳۹۳). معمار و مشتری. معمار، شماره ۸۵، صص ۷ ـ ۳.
- ایمانی، ن.، ظفرمندی، س. (۱۳۹۶). مبادی سلیقه در معماری. باغ نظر، شماره ۵۳، صص ۴۰ ـ ۳۳.
- ایوبی، ر.، جعفری قوام آبادی، ن. (۱۳۹۳). نما، سیمای بافت تاریخی و منظر فضای عمومی در قوانین ملی، ضوابط و مقررات محلی و وظایف مدیریت شهری. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۲، صص ۱۶ ـ ۱.
- بخشی، م. (۱۳۹۵). نقش مشارکت مردمی در ارتقاء زیبایی‌شناسی شهری. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، برلین.
- بوردیو، پ. (۱۳۹۳). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی. ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات نشر ثالث، تهران.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

- بوردیو، پ. (۱۳۹۵). ساختارهای اجتماعی اقتصاد. ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تهران.
- بوردیو، پ. (۱۳۹۶). بوردیو برای معماران. ترجمه احسان حنیف، انتشارات فکر نو، تهران.
- پاکزاد، ج. (۱۳۸۳). پدیدارشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی و سیر تکوینی توقعات از آن. هنرهای زیبا، شماره ۱۴، صص ۶۲ ـ ۵۱.
- پورجعفر، م.، علوی بالمعنی، م. (۱۳۹۱). استخراج معیارهای هماهنگی و ناهماهنگی نماهای ساختمان با دستگاه بینایی انسان با توجه به اصول بوم‌شناسی بصری. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۴، صص ۱۸ ـ ۵.
- پیربابایی، م. ت.، سلطان‌زاده، م. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر صورت‌بندی میدان معماری معاصر ایران بر اساس نظریه میدان «بوردیو»، شماره۱، صص ۸۴ ـ ۷۳.
- تراب‌زاده، ن. (۱۳۹۴). تناظر سرمایه و مصرف در معماری ساختمان‌های مسکونی تهران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران.
- تیغ‌نورد، آ. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر به‌کارگیری عامل «نور» در طراحی سیمای کالبدی و نمای ساختمان‌ها در بدنه‌های شهری بر ویژگی‌های ادراکی ـ رفتاری شهروندان. کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، یزد.
- جلالی، د. (۱۳۸۸). آمار شهر: بررسی توان تولید و توان تهیه مسکن در بازار مسکن شهر تهران در دوره ۱۳۷۵–۸۷. اقتصاد شهر، ۱(۴)
- جلودارکریمی، ا.، جهانبخش، ح. (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء کیفیت و درک بهتر محیط باهدف دستیابی به مجموعه مسکونی ایده‌آل (نمونه موردی: منطقه ۲۲ تهران). سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، برلین.
- جم، ف.، عظمتی، ح. ر.، قنبران، ع.، صالح صدق‌پور، ب. (۱۳۹۸). شناسایی و دسته‌بندی الگوهای ذهنی معماران در قضاوت زیبایی شناسانه نمای ساختمان‌های مسکونی آپارتمانی با کاربست تحلیل عامل Q. اندیشه معماری، شماره ۵، صص ۱۵۴ ـ ۱۴۱.
- حقوقی‌نیا، ن.، (۱۳۹۴). علل تمایل شهروندان تهرانی به معماری و نمای کلاسیک (نئوکلاسیک) در دهه اخیر در تهران. کنفرانس ملی چالش‌های معاصر در معماری، منظر و شهرسازی، تهران.
- خاتمی، م.، بوجاری، پ.، (۱۳۹۹). تحلیل چالش‌های نماهای شهری تهران در سده اخیر. مدیریت شهری، شماره ۵۸، صص ۱۱۱ ـ ۹۱.
- خاک‌زند، م.، محمدی، م.، جم، ف.، آقابزرگی، ک. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل مؤثر بر طراحی بدنه‌های شهری با تأکید بر ابعاد زیبایی‌شناسی و زیست‌محیطی. مطالعات شهری، شماره ۱۰، صص ۲۶ ـ ۱۵.
- دانایی‌فرد، ح.، مظفری ز. (۱۳۸۷). ارتقاء روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی. پژوهش‌های مدیریت؛ شماره اول، صص ۱۳۱–۱۶۲.
- رحمتی، م. م.، مرادی، س. (۱۳۸۹). توزیع اجتماعی الگوی مصرف. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، شماره ۱، صص ۳۲ ـ ۵.
- زکی، م. ع. (۱۳۹۵). میراث فکری بوردیو در جامعه‌شناسی ایران. علوم اجتماعی، شماره ۱۰، صص ۲۳۵ ـ ۲۰۷.
- سجودی، ف.، نعمت گرگانی، م. (۱۳۹۶). نقد اجتماعی سلیقه مشروع تماشاگران تئاتر تهران از منظر نظریه میدان پی‌یر بوردیو. پژوهش‌های تئاتر، شماره ۶۹، صص ۶۱ ـ ۴۰.
- شریعتی، س.، وطن‌خواه، ک. (۱۳۹۲). نحوه کاربرد نظریه میدان بوردیو در مطالعه معماری مدرن ایران (گفتار در جامعه‌شناسی هنر پی‌یر بوردیو). جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، شماره ۲، صص ۲۵۷ ـ ۲۴۱.
- شهبازی، م.، یگانه، م.، بمانیان، م. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل کالبدی– فضایی مؤثر بر سرزندگی محیطی در فضاهای باز مجموعه مسکونی از دیدگاه طراحان و ساکنین، مورد مطالعاتی: مجتمع‌های مسکونی شهر تهران، آرمان‌شهر، دوره ۱۳، شماره ۳۰، صص۱۱۷–۱۳۷.
- شیدانه مرید، م. ع.، صارمی، ر. (۱۳۹۴). عدم هماهنگی نماهای شهری در شهر تهران و راهکارهایی برای بهبود آن (نمونه موردی: خیابان استاد حسن بنا جنوبی (مجیدیه جنوبی)). کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط‌زیست، بروجرد.
- ظریف‌پور لنگرودی، آ.، البرزی، ف.، سهیلی، ج. (۱۳۹۹). تبیین نقش نماهای شهری در ایجاد دلبستگی به مکان در بین شهروندان (نمونه موردی: نماهای مسکونی شهر تهران). برنامه‌ریزی شهری، شماره پیاپی ۴۰، صص ۲۳۲ ـ ۲۱۷.
- عیوضی، ز.، باقری، ع.، آقابابایی، ا. (۱۳۹۵). بررسی عوامل جامعه‌شناسی مؤثر بر سلیقه مخاطب با توجه به طراحی گرافیک (مطالعه موردی: دستمال‌کاغذی). پژوهش هنر، شماره ۱۲، صص ۶۳ ـ ۵۳.
- کسروی، ر. (۱۳۹۶). از زیباشناسی تا زیباشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۷ شهرداری تهران. هنر و تمدن شرق، شماره ۱۸.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]

[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

- گنجی، م.، حیدریان، ا. (۱۳۹۳). سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ با تاکید بر نظریه‌های پییر بوردیو و دیوید تراسبی، نشریه راهبرد، ۲۳(۷۲)، صص ۷۷ – ۹۷.
- محمد حسینی، پ.، جوان فروزنده، ع.، جهانی دولت آباد، ا.، حیدری، ع. ا. (۱۳۹۸)، تحلیل نقش روش زندگی طبقات اجتماعی در الگوی مسکن نمونهٔ موردی: خانه‌های اواخر دورهٔ قاجار و اوایل پهلوی در اردبیل، باغ نظر، ۱۶(۷۶)، صص ۳۱-۴۴.
- مدنی‌پور، ع.، امین‌زاده، ب.، رضابیگی ثانی، ر. (۱۳۹۶). طراحی شهری، فضا، جامعه، انتشارت دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- مستقیمی، ا. (۱۳۹۱). مفاهیم کلیدی بوردیو. علوم اجتماعی، شماره ۴۵، صص ۵۷ ـ ۴۸.
- معظمی، م.، حجت، ع. (۱۳۹۶). ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران. آرمان‌شهر، شماره ۲۱، صص۱۱۲ـ۱۰۳.
- مودتی، ش. (۱۳۹۲). بررسی ذائقه معماری خانه در سیمای شهر تهران پس از انقلاب اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران.
- موید حکمت، ن. (۱۳۹۲). درآمدی بر رویکرد روش‌شناختی پی‌یر بوردیو به مفهوم سرمایه فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱، صص ۱۷۸ ـ ۱۵۵.
- واعظی، م. (۱۳۹۱). تبیین راهکارهای ارتقاء هویت کالبدی در مؤلفه‌های منظر شهری (نمونه موردی: محور اصلی اسلام‌شهر، حدفاصل میدان نماز تا تقاطع باغ فیض). پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران.
- Attia, S., Lioure, R. & Declaude, Q. (2020). Future trends and main concepts of adaptive facade systems, Energy Science and Engineering, *Journal of Consumer Culture*, 5 (1), 23-42.
- Crossley, N. (2001). *Habitus. Capital and Field: Embodiment in Bourdieu's Theory of Practice*. Chapter 6 in: The Social Body Habit. Identity and Desire. London: SAGE Publications Lid.
- Esmaili, F., Charehjoo, F., & Hoorijani, N. (2019). Analyzing and Evaluating Facades with a Special Approach to Visual Aesthetics Using the Grid Method (Case Study: Enqelab Street in Sanandaj), *Bagh-e Nazar*, 17(82), 69-84.
- Bagheri, F., Navarro, I., & Redondo, E. (2020). Building Orientation in Green Facade Performance and Its Positive Effects on Urban Landscape Case Study: An Urban Block in Barcelona, *Sustainability*, 12(92), 1-19.
- Barati, N., & Kakavand, E. (2013). Comparative Eualuation of the Environmental Quality Residental Place with an Emphasis on Citizens Image (Case Study: Qazvin City), *Honarhaye Ziba Journal*, 18(3), 25-32.
- Berzano, L., & Genova, C. (2015). *Lifestyles and Social Position*, In: Lifestyles and Subcultures: History and a New Perspective. Routledge.
- Bourdieu, P. (1987). *Distinction A Social Critique of the Judgment of Taste*, Routledge Press.
- Calleri, C., Shtrepi, L., Armando, A., & Astolfi, A. (2018). Evaluation of the influence of building façade design on the acoustic characteristics and auditory perception of urban spaces, *Soundscapes of Buildings and Built Environments*, 25 (1), 77-95.
- Campbell, C. (2005). The Craft Consumer: Culture, Craft and Consumption in a Postmodern Society in a postmodern society, *Journal of Consumer Culture*, 5(1), 23-42.
- Hollander, J. B., & Anderson, E. C. (2020). The Impact of Urban Façade Quality on Affective Feelings, *Archnet-Ijar: International Journal of Architectural Research; Cambridge*, 14(2), 219-232.
- Lefebvre, H. (2014). *Toward an architecture of enjoyment*, Edited by Lukasz Stanek I Translated by Robert Bononno.
- Scruten, R. (2006). *Design and Aesthetics*. Edited by: Jeory Palmer and Mo Dodsen. London: Routledge.
- Veblen, T. (2016). *The Theory of the Leisure Class*. Random House. New York.
- Yammiyavar, A. P., & Roy, M. (2019). *In Fluence of Visual Element in Building Facades in the Formation of Experiential Perception*. In Research into Design for a Connected World (pp. 301-314). Springer, Singapore.
- Webster, H. (2017). *Bourdieu for Architects*, Routledge Press.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]

Architects 'understanding of citizens' style in the design of residential buildings' facades with emphasis on "Bourdieu's theory of distinction"

Hedieh Adeli, *Department of Architecture; Central Tehran Branch; Islamic Azad University, Tehran, Iran*
Behrouz Mansouri, *Department of Architecture; Central Tehran Branch, Islamic Azad University; Tehran; Iran (Beh.Mansouri@iautb.ac.ir)*
Reza Afhami, *Department of Art Research, Tarbiat Modares University; Tehran; Iran*

Received: 2021/6/4 Accepted: 2021/9/11

Introduction: Social stratifications cause complex differences among the social strata, which we call "differentiation," following Pierre Bourdieu. As a result of these distinctions, different facades are designed in residential buildings, which affect the city's appearance. The variety of tastes in the design of residential facades by the citizens has caused heterogeneity in the urban landscape. It has created a lack of integration and continuity in the concepts related to architecture in the field of urban facades. This research explains the understanding of architects in facing the style of citizens in designing the facade of residential buildings based on Bourdieu's differentiation theory.
Methodology: The research method of this research is applied, qualitative in terms of purpose, and "interpretive" in terms of the "intention" of the research, and it tries to answer these questions: "What factors influence the formation of employer and consumer's style in production and has the symbolic consumption of housing in Tehran been influential from 2005 to 2019? What is the understanding of architects on the basis of consumers' tastes in the design of residential facades from 2005 to 2019?" In explaining research variables, individuals' cultural capital and economic capital are defined as independent variables, and the architect's consumption pattern is defined as the dependent variable.
In this research, using interviews with experts, indicators and variables that effectively explain the architects' role in facing the style of Tehran citizens regarding residential architecture were extracted from the text of the interviews. The "logic" of the research is "inductive," and the method of analyzing the data also includes open coding and axial coding.
Results: This research shows that the opinion of most Iranian architects about the concept of "citizen's style in residential buildings" can be divided into four forms: "building structure," "facade compatibility with climate," "façade compatibility with building function" and " visual beauty." The consumption pattern is influenced by two general categories: "economic capital" and "cultural capital".
Conclusion: People's style is an essential factor in the quality of facades of residential buildings and, accordingly, the city's appearance. As Bourdieu mentioned, views are the link between construction companies and architects. Considering that the appearance and body of residential buildings are the result of the mastery of the aesthetic criteria of people; therefore, the style change in residential architecture shows itself in the form of the change of "dominant" style in each period. In general, it can be said that the mastery of a style has a direct relationship with the supply and demand relationship.
Keywords: Style, facade, residential buildings, Bourdieu's theory of distinction.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1401.10.40.3.0]
[DOI: 10.52547/hafthesar.11.40.3]